



### برگزاری اولین نشست شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

#### منتخب کنگره یازدهم

۲۳ و ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ برابر با ۱۳ و ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹



هیئت رئیسه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی دو روز نشست، چندین موضوع سیاسی و تشکیلاتی را مورد بررسی قرار گرفت.

- روند انتخابات و پیامدهای پس از آن، بخش عمده ای از نشست را تحت شعاع خود قرار داد. شورای مرکزی در جریان لحظه به لحظه روند سیاسی میهن قرار داشت، طی این نشست سازمان با انتشار چندین اطلاعیه (فارسی و انگلیسی) به بررسی علل و نتیجه این رخداد پرداخت و با جنبش آزادی خواهی مردم کشورمان همبستگی خود را اعلام نمود.

- انتخاب ارگانهای مرکزی (هیئت سیاسی- اجرائی و هیئت رئیسه شورا) و سازماندهی آنها طبق دستور کار انجام گردید.

- همچنین شورای مرکزی به چند قرار تشکیلاتی که از سوی کنگره یازدهم سازمان به این ارگان واگذار شده بود نیز پرداخت.

هیئت رئیسه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹

### بمناسبت روز جهانی حمایت از کودکان

همه روزه با بزرگسالان متعددی مواجهیم، که به نوعی آسیب دیده یا گرفتار معضلاتی نظیر اعتیاد، فقر، خیابان خوابی و ... هستند.

صفحه ۵

### قصاص کودکان ، خشونت دینی علیه کودکان

سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده که دوران کودکی مستلزم مراقبت و مساعدت ویژه میباشد.

صفحه ۶

### طبقه کارگر؛ مبارز پیش قدم در راه دموکراسی

از نظر مارکس؛ به لحاظ تاریخی تمایز طبقاتی صرفاً با ظهور محصول اضافی- که ناشی از تکامل نیروهای تولیدی است، پدیدار می شود. یعنی آنچه که بیش تر و فراتر از نیازهای باز تولید تولیدکننده مستقیم تولید می شود.

صفحه ۷

### بحران سرمایه داری و جنبش کارگری

سرمایه داری جهانی با یکی از شدیدترین بحران های ۸۰ سال اخیر خود مواجه است. و باز هم مانند همیشه راه برون رفت از بحران را در سرشکن کردن هزینه های بحران بردوش کارگران و زحمتکشانش...

صفحه ۸

### علل بحران در سرشت نظام سرمایه داری نهفته است

بحران مالی- اقتصادی سامانه پوسیده سرمایه داری روز بروز گسترش می یابد، عمیق تر می شود و بتدریج همه جوانب زندگی اجتماعی را فرا می گیرد.

صفحه ۱۰

### سرمقاله

### گام نخست ابطال انتخابات؛

#### گام بعدی...

انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی که در ۲۲ خرداد برگزار گردید، با دو ویژگی بارز "حضور گسترده و بی سابقه" و "تقلبی بمراتب گسترده تر و بی سابقه تر" همراه بود. بدنبال این تقلب آشکار و بی محابا، مردمی که خود را در بازی جناح های حاکمیتی مغبون می دیدند، با شعار "موسوی، موسوی، رأی ما را پس بگیر" اعتراض خود را از سطح روزنامه ها و سایت ها به عرصه خیابان ها کشاندند. نمایش چند میلیونی مردم تهران در ۲۵ خرداد و در اعتراض به نتایج دست کاری شده انتخابات، که سریعاً به اعتراض علیه رژیم و شخص ولی فقیه فرا روئید، در سی سال پس از انقلاب ۵۷ بزرگترین نمایش اعتراضی مردم کشورمان، و تظاهرات شنبه ۳۰ خرداد درست یک روز پس از فتوای خامنه ای در نماز جمعه تهران و صدور فرمان سرکوب، بزرگترین دهن کجی و تقابل با ولی فقیه و نظام جمهوری اسلامی بشمار می آید.

بدنبال اوج گیری اعتراضات مردمی و همه گیر شدن تظاهرات خیابانی، همانگونه که انتظار می رفت، رهبر جمهوری اسلامی فرمان سرکوب را صادر نمود. حماقتی بس عظیم که ناقوس مرگ را برای جمهوری اسلامی بصدا درآورد. در پی صدور فرمان ولی فقیه، ماشین سرکوب متشکل از نیروهای گارد ویژه، نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی ها، اقدامات خود در کشتار مردم معترض را که از چند رو قبل شروع کرده بودند، را تشدید نمودند. امروز کمترین عقب نشینی، عقب نشینی های بعدی را بر رژیم تحمیل خواهد نمود، و ابطال انتخابات نهایتاً ابطال رژیم را در پی خواهد داشت. اگر دیروز امکان آن وجود داشت که با انتخاب موسوی در دور دوم و با آرائی نزدیک به آراء احمدی

ادامه در صفحه ۲

### در این شماره :

- با احزاب و سازمانهای چپ ۳ صفحه
- ماموریتی جدید برای... ۶ صفحه
- بحران و تقویت زمینه های همبستگی ۹ صفحه
- اعدامهای دهه شصت... ۹ صفحه
- از میان رویدادهای ایران و جهان ۱۱ صفحه
- یاد و نام فدائیان شهید جاودان باد! ۱۴ صفحه

### ارتباط با ما :



Kar-dakhel@yahoo.com  
Kar.dakhel@gamil.com

کودکانه پایان دهد. برای فرا رفتن از چنین جایگاهی همین امروز خیلی دیر شده است، دیگر نمی‌توان منتظر فرداها ماند. اگر دیر بجنبیم ۵۷ دیگری برایمان تحمیل خواهند نمود، و شاید انقلابی مخملی با رنگ و بوی اسلامی برایمان تدارک دیده باشند. اگر امروز مجبوریم پشت سر این آقایان راه بیافتیم، و بیشتر از آنکه تأثیرگذار باشیم، تأثیرپذیر هستیم. ثمره سی سال درگیری و نزاع‌های درونی است. باید آستین‌ها را بالا زد و متحداً برای اجتناب از چنین سرنوشت شومی پا به عرصه مبارزه گذاشت.

حضور چپ داخل کشور را می‌توان در تمامی عرصه‌های مبارزه احساس نمود. ولی نقشی که ایفاء می‌نماید متناسب با وزن آن نیست. برای رسیدن به چنین جایگاهی باید بیشتر تلاش نماییم. چپ برای تأثیرگذاری چاره‌ای جز مراجعه به پایگاه اصلی خود، به کارگران، زحمتکشان و روشنفکران رادیکال ندارد. تنها سلاح چپ در چنین کارزاری متشکل نمودن توده‌های مردم، خصوصاً کارگران است. حضور اثر بخش چپ نه به حضور کمی و عددی، بلکه به چگونگی این حضور و کیفیت آن بستگی دارد. حضور چپ یعنی تشکل‌های

کارگری، یعنی سندیکا و اتحادیه، حضور چپ یعنی اعتصابات کارگری و مبارزه طبقاتی، حضور چپ یعنی مبارزه ضد امپریالیستی، یعنی مبارزه متشکل برای دموکراسی و حقوق بشر. چپ ضمن حضور در اعتراضات خیابانی، می‌بایستی تلاش خود را بر سازماندهی اعتصابات کارگری و اعتصابات عمومی متمرکز نماید. متأسفانه تشتت چپ در سی سال گذشته توان آن را در چنین عرصه‌ای نیز ضعیف ساخته است. ضعف محسوس تشکل‌های کارگری خود بخوبی بیانگر وضع نابسامان سازمان‌ها



و احزاب چپ کشورمان می‌باشد. با تمامی اینها راه میان‌بری وجود ندارد، هر آن که بخواهیم شروع کنیم مراجعه به کارگران و زحمتکشان و کمک به متشکل نمودن آنان نقطه آغاز و تنها ابزار موجود ماست.

رفقا! اگر مصمم به پایان دادن به وضع موجود می‌باشیم، و می‌خواهیم از جمهوری اسلامی عبور کنیم. لازم نیست بدنبال سلطنت‌طلبان و اصلاح‌طلبان حکومتی بیافتیم. همان گونه که شایسته نیست با غلطیدن به دامان سکتاریسم، بی آنکه حضوری محسوس در عرصه مبارزات اجتماعی داشته باشیم، ادای رهبران را در آریم. ما باید قبل از هر چیز به چنگانگی خود پایان دهیم. بدون تحقق چنین امری چپ از رأس معادلات سیاسی و مبارزات اجتماعی حذف و تنها بعنوان سیاهی لشکر مورد استفاده قرار خواهد گرفت. چپ آن صدای سومی است، که با ایمان به مبارزه برای کنار گذاشتن جمهوری اسلامی و حضور در مبارزات مردم کشورمان برای کسب دموکراسی و عدالت اجتماعی، از همراهی با امپریالیست‌ها و یارانش ابا می‌نماید.

چپ داخل کشور، در طی سی سال گذشته، در عرصه مبارزات جاری، در زندان‌ها و پای چوبه‌های دار، در کارخانه و مزارع، در دانشگاهها و مدارس، در خیابان‌ها و اعتراضات مردمی، برای عبور از جمهوری اسلامی مصمم گشته است. هیچ عاملی ما را از تصمیمی که گرفته‌ایم باز نخواهد داشت. در این راه هر دستی را که صادقانه بسوی ما دراز می‌شود، صمیمانه می‌فشاریم. اگر دوستان و یاران ما در خارج از کشور نیز بخواهند تغییری در منش خود بدهند، مطمئناً از آن استقبال خواهیم نمود. ولی اگر بخواهند لجوجانه بر مواضع تشکلی خود ایستاده و برطبل تفرقه بنوازند، یقین بدانند که برای عبور از جمهوری اسلامی از آنان نیز عبور خواهیم نمود.

نژاد، همانند دوره خاتمی هیجانات جامعه را کنترل نمود. ادامه سرمقاله صفحه ۱  
ولی دیگر چنین فرصتی از دست رفته است. برای جمهوری اسلامی چشم‌اندازی جز عقب‌نشینی و ابطال انتخابات که مطمئناً قبول عقب‌نشینی‌های بعدی را هم بدنبال خواهد داشت، و یا سرکوب جنبش و براه انداختن حمام خون را نمی‌توان تصور نمود. چیزی که در این میان محتمل به نظر می‌رسد، سازش و یا کنار کشیدن رهبرانی است که از قضای روزگار و نبود آلت‌ناتیوی مقبول به چنین جایگاهی پرت شده‌اند. ایستادگی این رهبران موجب تعمیق جنبش مردمی و عقب‌نشینی رژیم خواهد شد. و پرواضح است که تلفات زیادی نیز در این راستا خواهیم داد. البته عقب‌نشینی و خیانت به مردم بمراتب خون‌بارتر و وحشیانه‌تر از ادامه مبارزه خواهد بود. امروز برای اجتناب از کشتارهای گسترده‌تر تنها و تنها راه ممکن ادامه و گسترش مبارزات جاری است.

ابطال انتخابات به خواستی عمومی و همه‌گیر در جامعه ملت‌هت و شدیداً سیاسی شده ایران تبدیل گشته است. ابطال انتخابات امروز آن خواست محوری و متشکل کننده‌ای است که

می‌تواند، ما را به پسوی پیروزی رهنمون شود. خواست‌های دیگری را می‌توان طرح نمود، بشرطی که جایگزین خواست اصلی نشوند. پس از ابطال انتخابات، بایستی همراه با شعار مرگ بر خامنه‌ای، دستگیری و محاکمه عام‌رین و عاملین، سرکوب و کشتارهای اخیر در دستور کارمان قرار گیرد. کسب این پیروزی و تلاش برای تعقیب قضایی جنایتکارانی که دستشان به خون مردم معترض آلوده گشته است، یأس و سرخوردگی را از اردوی انقلاب و از میان توده‌های مردم به اردوی ضد انقلاب و به میان مزدوران رژیم منتقل خواهد نمود. زمانی که بتوانیم تاوان

سرکوب را حتی در مقیاسی اندک بر این مزدوران رژیم بچشانیم، آن‌موقع حمله نهایی را برای سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز خواهیم نمود. زمانی حمله به عرش در دستور کارمان قرار خواهد گرفت، که روحیه مقاومت و توان مبارزه را ضدانقلاب و مزدوران جمهوری اسلامی سلب کرده باشیم. کمونیست‌ها و دیگر نیروهای دمکرات و ترقی‌خواه بایستی هوشیارانه از طرح خواست‌های بزرگ و برداشتن وزنه‌ای خارج از توان، که می‌تواند موجبات شکست را فراهم سازد، خودداری نمایند. البته ابطال انتخابات کف خواست‌های مردم بشمار می‌رود. قدم بعدی بایستی در راستای دست‌یابی به سقف خواست‌ها سازماندهی شود. مطمئناً با تعقیب مبارزات اجتماعی چشم‌انداز روشن‌تری برای آینده جنبش رو به گسترش مردم کشورمان ترسیم خواهد گردید. این روند طبیعتاً با ریزش نیروهایی نیز همراه خواهد بود. آنچه امروز برای ما در دستور کار قرار دارد، حمایت از این جنبش مردمی است. چرا که شکست جنبش روحیه‌ای از یأس و سرخوردگی را بر جامعه مستولی خواهد ساخت، که شاید برای سال‌های سال آثار آن از اذهان فعالین سیاسی و توده‌های مردم زوده نشود. امری که تلقین تغییر ناپذیری جمهوری اسلامی را بدست نیروهای داخلی بدنبال خواهد داشت. آری شکست جنبش، یعنی سرکوب‌گسترده و خونین، و دوختن چشم امید به دخالت نظامی نیروهای خارجی و امپریالیستی.

همانطوری که گفته شد، فقدان آلت‌ناتیوی قوی و مورد قبول، همراه با حماقت کودتاچیان به‌رهبری خامنه‌ای و احمدی‌نژاد، مهم‌ترین علل تصاحب رهبری جنبش توسط اصلاح‌طلبان حکومتی به رهبری موسوی بود. در این میان نبایستی از نقش رسانه‌های امپریالیستی غرب در دوختن لباس رهبری بر تن موسوی و اصلاح‌طلبان حکومتی و آلت‌ناتیو سازی برای جنبش غافل گشت. در کنار این تلاش‌ها لازم است به ... نیروهای دمکرات و مترقی، خصوصاً احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیستی کشورمان اشاره نمود. تمکین خود خواسته به سی سال تشتت، و درگیری‌های حیدر- نعمتی، که وزارت اطلاعات رژیم برای ما تدارک دیده بود، از دیگر عوامل مؤثر در کسب چنین امتیازی توسط جناح دیگری از جمهوری اسلامی می‌باشد. چپ کشورمان خیانتی بزرگ را مرتکب خواهد شد، اگر نتواند به سرعت به این تشتت و چنگانگی

## با احزاب و سازمانهای چپ

### کانون نویسندگان ایران: به خواست مردم برای آزادی گردن نهید!

مردم شریف و آزاده!

طی نزدیک به دو هفته‌ای که از اعلام نتیجه‌ی انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ می‌گذرد، ده‌ها تن از مردم بی‌گناه بر اثر یورش وحشیانه‌ی نیروهای سرکوب‌گر به قتل رسیده‌اند. افزون بر این، شمار بسیار بیش‌تری مجروح و بازداشت شده‌اند. کانون نویسندگان ایران بی‌آن‌که بخواهد وارد بحث ماهیت انتخابات و درستی یا نادرستی شرکت در آن شود بنا بر منشور و اساسنامه‌ی خود از آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همه مردم و معترضان و سرکوب‌شدگان، صرف‌نظر از عقاید سیاسی آنان، پیگیرانه دفاع می‌کند و، ضمن محکوم کردن کشتار سازمان‌یافته‌ی مردم حق‌طلب ایران و تسلیت و همدردی با خانواده‌های بازماندگان و مردم داغ‌دیده، خواهان آن است که:

۱. به حمله‌ی وحشیانه به تظاهرات و راه‌پیمایی آرام و مسالمت‌آمیز و تمدنانه‌ی مردم پایان داده شود.  
۲. اسامی همه کشته‌شدگان، مجروحان و دستگیرشدگان اعلام، و بازداشت‌شدگان بی‌قید و شرط و بی‌درنگ آزاد شوند.

۳. امکان برگزاری آزادانه‌ی مراسم بزرگداشت جان‌باختگان راه آزادی فراهم آید.

۴. سانسور خبری مطبوعات و رسانه‌ها هر چه زودتر برچیده شود.

۵. به اشغال نظامی تهران و دیگر شهرهای کشور پایان داده شود.

۶. آمران و عاملان کشتار مردم معرفی، محاکمه و مجازات شوند.

بساط سرکوب را برچینید! مردم حق‌طلب و آزادی‌خواه را ارادل و اوباش و آشوب‌گر نخوانید! به خواست مردم برای آزادی گردن نهید!

### سندیکای کارگران شرکت واحد: هرگونه سرکوب و تهدید نهادهای مدنی محکوم است

در روزهای اخیر ما شاهد تلاش و حضور پرشور میلیون‌ها زن، مرد، پیر و جوان، اقلیت‌های ملی و مذهبی در ایران هستیم که در دولت می‌خواهند که پایه‌ترین حقوق اولیه‌شان را به رسمیت بشناسد یعنی بر رسمیت شناختن حق انتخاب آزاد، مستقل و بدون تقلب. حتی که در اکثر جوامع دنیا نه تنها به رسمیت شناخته شده بلکه برای حفظ آن از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌شود.

در بطن چنین اوضاعی ما شاهد تهدید، دستگیری، کشتن و سرکوب عربانی هستیم که بیم آن می‌رود تا بر ابعادش افزوده شود و خون انسان‌های بیگناهی ریخته شود که نتیجه آن اعتراضات بیشتر مردم است نه عقب نشینشان.

براساس این واقعیت سندیکای کارگران شرکت واحد خود را در کنار تمامی ایثارگرانی می‌داند که برای ساختن نهاد مدنی آزاد و مستقل مبارزه میکنند و هر نوع سرکوب و تهدید را محکوم میکنند.

در راستای به رسمیت شناختن حقوق صنفی و اجتماعی در ایران نهادهای کارگری جهانی پنجم تیرماه روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و نهاد صنفی ایران اعلام شده است، ما از همه می‌خواهیم که این روز را فراتر از خواسته‌های صنفی بشمار بیاورند و این روز را تبدیل کنیم به روز حقوق بشر انسانی در ایران و از همقطاران خود بخواهیم در این روز در سراسر دنیا برای حقوق پایمال شده اکثر مردم ایران حرکت کنند.

با آرزوی گسترش عدالت و آزادی

### همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی، و نیروهای مترقی جهان با مبارزات مردم ایران

در پی تماس حزب توده ایران و احزاب و سازمان‌های چپ ایرانی با احزاب کارگری-کمونیستی، چپ و اتحادیه‌های کارگری جهان، پیام‌های همبستگی‌یی از سوی این احزاب با مبارزات مردم ایران منتشر و در چند مورد آکسیون‌هایی نیز برگزار گردیده است. از آنجمله می‌توان به پیام احزاب کمونیست فرانسه، احیای کمونیستی ایتالیا، آمریکا، آلمان، اتریش، بریتانیا، حزب چپ سوئد، فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و اتحادیه‌های کارگری اشاره نمود.

### حزب توده ایران؛ اعلامیه شماره ۴

هم میهنان عزیز!

در اوضاع حساس و سرنوشت ساز کنونی، باید با حفظ هوشیاری توطئه‌های کودتاجیان تاریک اندیش را که درصدد به خشونت کشاندن اعتراضات مردمی هستند، خنثی و افشا کرده، به مبارزه متناسب با اوضاع و همه روش‌ها پیگیرانه ادامه داد. دعوت اخیر میرحسین موسوی به تداوم اعتراضات و بیانیه او برای تجمع راه پیمایی فردا-پنجشنبه ۲۸ خرداد ماه- موضعی است اصولی و در جهت و منطبق با خواست و اراده ملی مردم میهن ما. براین پایه حزب توده ایران با حمایت از ابتکارات میر حسین موسوی و اصلاح طلبان در تداوم اعتراضات همراه دیگر احزاب و سازمان‌های مترقی و ملی خواهان پیگیری مطالبات به حق زیرین است:

ابطال انتخابات و برگزاری انتخابات مجدد،

معرفی، محاکمه و برکناری طراحان و مجریان تقلب و همه عوامل این اقدام غیر قانونی،

آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت‌شدگان روزهای اخیر همه زندانیان

معرفی، محاکمه و مجازات عاملان و آمران تیراندازی و کشتار مردم در تظاهرات و حملات وحشیانه به تجمعات و کوی دانشگاه،

تضمین و تأمین برگزاری انتخاباتی سالم، رقابتی و عادلانه به دور از مداخله نهادهای نظامی و امنیتی و لغو نظارت استصوابی.

### سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر): شکار جوانان را محکوم می‌کنیم

سیمای حکومت اسلامی که در تمامی ده روز گذشته، هیچ خبری از تظاهرات میلیونی مردم ایران پخش نمی‌کرد، اکنون مدام در برنامه‌های ویژه‌ی خود، فیلم‌هایی از تظاهرات مردم نشان می‌دهد و مواردی که جوانان و مردم در برابر نیروهای بسیج و سپاه و لباس شخصی‌ها، دست به مقاومت زده‌اند، و یا با سنگ و چوب در برابر گلوله‌های این مزدوران از خود دفاع کرده‌اند، را برجسته کرده و عکس‌های مردم و جوانان را تک تک بزرگ می‌کند و از مأموران و نیروهای وابسته به خود می‌خواهند که این افراد را شناسایی کرده و به پایگاه‌های بسیج معرفی کنند. به این ترتیب، سیمای حکومت اسلامی اکنون بیش از گذشته به ارگان جاسوسی و سرکوب تبدیل شده است و تلاش می‌کند راه را برای شناسایی و شکار جوانان و مردم باز کند.

سازمان این اقدام جنایت کارانه پلیسی و جاسوسی را محکوم کرده و از همه فعالین و جوانان و مردم آزادیخواه می‌خواهد که در برابر این توطئه پلیسی مقاومت کنند و از جوانان و فعالین خود حفاظت کنند و اگر چنین جوانانی در معرض شکار نیروهای سرکوب قرار گیرند، با مقاومت خود مانع دستگیری آن‌ها شوند.

سازمان ما همچنین از تمامی نهادهای حقوق بشر و مدافع حقوق شهروندی در جهان می‌خواهد به این تاکتیک پلیسی اعتراض کنند و مانع از دستگیری مردم شوند.

### سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران: سخنان خامنه‌ای، چراغ سبز برای سرکوب

سازماندهی اعتراضات مردم، حفظ وحدت و یکپارچگی آن، گسترش مبارزه و مقاومت مدنی توده‌ها به اشکال مسالمت‌آمیز و طرح مطالبات جنبش‌های اجتماعی، می‌تواند با طرح خواست ابطال انتخابات ۲۲ خرداد و تأمین شرایط انتخابات آزاد، بیامیزد و در مقابل سرکوب حکومت ایستادگی کند.

خامنه‌ای در مقابل مردم شمشیر را از رو بسته است. باید قصد رژیم را در سرکوب جنبش اعتراضی مردم افشاء کرد. مبارزه توده‌ها اما متوقف نخواهد شد و در اشکال دیگری ادامه خواهد یافت.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران حمله به تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم، ضرب و جرح و کشتار آنها و بازداشت فعالان سیاسی را شدیداً محکوم میکند و خواستار آزادی فوری این بازداشت‌شدگان و پایان دادن به تضيیقات علیه مردم، و نیز لغو سانسور بر رسانه‌ها و سایت‌های اینترنتی است.

در این موقعیت حساس، ما بار دیگر از همه نیروهای چپ، مترقی و آزادی‌خواه دعوت میکنیم تا با همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر، در راه ایجاد یک جبهه متحد در مقابل رژیم، دفاع از جنبش اعتراضی مردم و یاری رساندن به آن، مبارزه علیه جمهوری اسلامی را گسترش دهیم.

### اطلاعیه کمیته مرکزی کومله: اعتراضات مردمی شهرهای ایران در روزهای اخیر

کودتای انتخاباتی در جمهوری اسلامی با روش تقلب زورگویانه و رأی سازی وسیع، نه تنها بار دیگر ضد دمکراتیک و کارتتی بودن سیتیم انتخابات در رژیم اسلامی را به همگان نشان داد، بلکه عزم رهبری این رژیم برای پایمال نمودن آشکار و بی‌پروای رأی و نظر مردم را نیز به نمایش گذاشت.

این واقعیات جنگ جناحها در جمهوری اسلامی را به اوج خود رسانده است و زمینه برای نبرد نهایی را فراهم کرده است. همچنین زمینه مهیا شده تا مردم ایران به نفع خود از این شکاف بهره‌برند. جنبش مردمی در ایران از شعار و خواست اصلاح طلبان حکومتی بسیار فراتر رفته نه تنها بقای دیکتاتوری را بر نمی‌تابد، بلکه در سالهای اخیر جسورانه شعار و خواسته‌هایش را در خارج از چهارچوب جمهوری اسلامی و قوانین این رژیم، طرح نموده است. این پدیده‌ی نوبنی است که مبانی و کلیت رژیم را به چالش کشیده و وسیعاً دارد به سوی یک جنبش مدنی رو به رشد و منظم گام مینهد. اعتراضات بزرگ روزهای اخیر، به وضوح مهر این نافرمانی مدنی را بر خود دارد و میرود تا مسائل اصلی اجتماعی در آن طرح گردد و در دایره بحث و اختلافات انتخابات، محدود نماند. به این معنا چه از نظر حاکمیت و جناح‌های موجود آن و چه از دید مردم دوره نوبنی آغاز شده است که کشاکش و چالشهای اجتماعی و جنبش مردمی بر علیه این نظام را اجتناب ناپذیر کرده و بیگمان سیاست سرکوب را با شکست روبرو خواهد کرد.

### سازمان چریکهای فدایی خلق ایران: پیش به سوی یک انتخابات آزاد، دمکراتیک و عادلانه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم کردن سرکوبی خشن و گسترده خیزش عادلانه مردم ایران که منجر به جانباختن تعدادی از هموطنان ما شده است، ضمن محکوم کردن دستگیریهایی گسترده به شمول دستگیری برخی از اعضای ستاد موسوی و کربویی، ضمن محکوم کردن سانسور و فیلتر کردن رسانه‌های اینترنتی و حمایت کامل از جنبش و قیام زنان و مردان ایران زمین، مردم را به اتحاد و همبستگی برای سرنگونی بساط ننگین رژیم ولایت فقیه و استقرار یک نظام دمکراتیک، عرفی و مدافع منافع توده‌های مردم، فرا می‌خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از تمامی دولت‌ها و نهادهای اجتماعی مدافع حقوق بشر و از تمامی رسانه‌های جمعی درخواست می‌کند که با به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای ایجاد تغییر دمکراتیک و حکومت مردمی، ضمن محکوم کردن سرکوبی خشن و گسترده مردم ایران، انتخاباتی قلبی جمهوری اسلامی را محکوم کنند.

### سازمان اتحاد فدائیان کمونیست: هشدار به مامورین سرکوب جمهوری اسلامی

خامنه‌ای در نماز جمعه، مردمی را که طی هفت روز گذشته برای احقاق حقوق خود در خیابانها دست به تظاهراتی مسالمت آمیز زده بودند، تهدید به سرکوب و کشتار کرد. نطق خامنه‌ای اعلان جنگ آشکار بر علیه مردمی است که از ظلم و ستم و استثمار زور و سرکوب حکومت مذهبی حاکم به جان آمده‌اند. وحق خودشان میدانند تا در تظاهرات و راهپیمائیها به بیان نظرات و خواسته‌های خود به پردازند.

طی تظاهرات روزهای گذشته رژیم تمام اوباشان و چاقو کشان خود را بسیج کرد تا با حمله به صفوف مردم و کشتار و زخمی و دستگیری و تخریب محل کسب و کار و زندگی آنها و با ایجاد جو رعب و وحشت توده های مردم را از ادامه مبارزات شان بازدارد. ما بار دیگر به مزدورانی که هنوز در خدمت دم و دستگاه سرکوب رژیم هستند، هشدار میدهم که مسئولیت هر قطره خونی که ریخته میشود برعهده شما و رهبران نظام حاکم است. از مکافات عمل خود غافل نباشید.

### فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت): به پیش هموطن، به پیش!

اتحاد، مبارزه، آزادی

دوستان و رفقای انقلابی!

این فرصت انقلابی را از دست ندهیم، مردم را تنها نگذاریم، به وظیفه انقلابی خود عمل کنیم. جناحهای رژیم اسلامی در صورتی که نتوانند با سازش از بالا جلوی انقلاب را بگیرند با کودتایی خونین به سرکوب شدت خواهند بخشید و در صورتی که چنین سلاحی نیز موثر واقع نشود، باید منتظر توطئه و گوادالوپو دیگر از طرف کشورهای غربی بود تا بتوانند گلچینی از نوکران رفرمیست مورد نظر خود را به مردم ایران تحمیل نمایند.

بیانید از گذشته فاجعه بار خود درس بگیریم و بیش از این خود را ناتوان و دشمن را توانگر نشان ندهیم. بیاید گامهای عملی خود را در جهت وحدت برداریم و کمیته انقلابی مرکب از همه نیروهای دمکرات داخل و خارج از کشور را سازمان دهیم تا بتوانیم نقشی موثر در تحولات سیاسی ایفا نمائیم. این کمیته می تواند پلاتفرمی انقلابی تهیه نموده و در کوتاهترین زمان ممکن با کمک نیروهای داخل و خارج از کشور با استفاده از رسانهای احزاب سیاسی موجود، جای خود را در جامعه پیدا نموده و هدایت مردم را در دفاع از انقلاب دمکراتیک بعهده گیرد.

### اطلاعیه حزب کمونیست ایران در ارتباط با تداوم اعتراضات مردم

تجربه تاکتونی و ماهیت اهداف اصلاح طلبان حکومتی و خواستی که اکنون پیش پای اعتراضات مردم گذاشته اند بار دیگر نشان می دهد که اینان صلاحیت و توانائی رهبری اعتراضات مردم را ندارند. اینان خود بخشی از نظام جمهوری اسلامی هستند. اینان برای حفظ این نظام هر لحظه ممکن است بر سر خواست محدودی که مطرح کرده اند با جناح دیگر حکومت به سازش برسند.

در این میان هر سازشی صورت بگیرد یکی از پایه های اساسی آن سرکوب و خاموش کردن اعتراضات مردم است. مردم ایران و توده های به خیابان آمده نباید بگذارند به ابزار تسویه حساب جنگ جناحی تبدیل و قربانی سازش آنها شوند.

در این شرایط که بحران سیاسی اوج گرفته است، در شرایطی که پرونده قدرت سیاسی بر روی جامعه باز شده است، رسالت همه فعالین سوسیالیست، انسان های پیشرو و ترقی خواه ایجاب می کند که از فرصت پیش آمده کنونی بهترین استفاده را بنمایند و ضمن روشنگری در مورد اوضاع حساس کنونی، ضرورت شکل گیری آلترناتیو انقلابی، ضرورت شکل گیری حرکتی مستقل از جدال جناح های حکومتی را به میان مردم ببرند، تلاش ها و مبارزات خود را برای ایجاد شوراهای و دیگر تشکلهای کارگری و سازمان یابی دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی تشدید کنند.

### اعلامیه مشترک پنج حزب و سازمان سیاسی:

#### جلسه فوق العاده پنج سازمان سیاسی اپوزیسیون

با توجه به شرایط حساس و سرنوشت ساز در کشور روز شنبه ۳۰ خرداد نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب کومله و شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران در پاریس جلسه اضطراری تشکیل دادند و در باره انجام اقدامات عاجل در برخورد با رویدادهای جاری در کشور و چگونگی حضور هرچه فائتر در جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه مردم ایران به رایزنی پرداختند. در تحلیل رویدادها، همه نمایندگان به اتفاق بر این نظر بودند که پی آمدهای مقاومت دلیرانه مردم در برابر گستاخی علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی و مخالفت آشکار آنان با دولت و رئیس جمهوری انتصابی وی سمت گیری و کیفیت تحولات آتی در کشور را رقم خواهد زد و به این اعتبار باید با تمام توان در جهت پیروزی جنبش مقاومت مدنی و خیزش تاریخی مردم ایران تلاش کرد. هریک از نمایندگان با اشاره بر این که علی خامنه ای با تهدید، سرکوب و ریختن خون مردم معترض می خواهد نیروی مقاومت را در هم بشکند، تاکید کردند برای خنثی ساختن تهاجم جریان حاکم باید همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد، همبستگی و حرکت اعتراضی هماهنگ فراخواند، در جهت تداوم و گسترش تظاهرات سراسری در شهرهای مختلف جهان و بازتاب موثر آن کوشش کرد و با مراجعه جمعی به نهادهای حقوق بشری، دولت ها، سازمان های بین المللی و رسانه ها از آنان خواست به اعتراض جهانی علیه سرکوب در ایران بپیوندند و از مردم ما در مبارزه علیه دیکتاتوری پشتیبانی کنند.

در این نشست همچنین بر هماهنگی بیشتر، سرعت عمل و تقویت مناسبات پنج حزب و سازمان به منظور پیگیری پیشنهادهای و تصمیمات جمعی تاکید شد.

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب کومه له کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت

شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران

### آزادی زندانیان سیاسی را به خواستی جهانی تبدیل کنیم!

همان گونه که انتظار می رفت، به دنبال سخنان علی خامنه ای در نماز جمعه ۲۹ خرداد و گسترش کشتار مردم معترض از ۳۰ خرداد، دستگاه امنیتی رژیم زندانیان سیاسی را به شدت تحت فشار قرار داده است. خود ارگانهای رژیم از ۶۰۰ دستگیر شده در جریان اعتراضات روزهای اخیر سخن می گویند. احتمالاً شمار بازداشت شدگان، سر به هزاران می زند. در تلویزیون حکومتی، شوهایی به راه انداخته اند که در آن، افرادی به عنوان شرکت کنندگان در تظاهرات، به اعمال خشونت "اعتراف" می کنند، در حالی که فیلمهای منتشر شده در سراسر جهان، نشان می دهد که مأموران حکومت با چه قساوتی مردم را مورد یورش قرار می دهند و گزمنگان اوئیفورم دار، با چه توحشی اموال مردم مانند اتومبیلها را تخریب می کنند. سیمای جمهوری اسلامی عکسهایی را که از برخی معترضان گرفته اند منتشر کرده و خواهان لو دادن هویت آنها شده است. می توان با قطعیت گفت که زندانیان تحت شکنجه قرار گرفته اند.

اکنون که جهان به ایران می نگرند و توجه رسانه ها، افکار عمومی، سازمانهای غیردولتی و دولتها در سراسر دنیا به کشور ما معطوف شده است، باید کوشید آزادی زندانیان سیاسی به خواستی جهانی تبدیل شود. در این راستا ما به هموطنانمان این اقدامات را پیشنهاد می کنیم:

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب کومه له کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران

### اطلاعیه حزب کومله کردستان ایران در رابطه با فراخوان اعتصاب عمومی در

#### کردستان

اکنون که شماری از دانشجویان، روشنفکران و جوانان کرد روز سه شنبه را روز اعتصاب عمومی و سرتاسری در کردستان اعلام کرده اند، کومله به گرمی از این حرکت استقبال کرده و کارگران، جوانان، زنان و همه مردم مبارز و آزادیخواه را فرا می خواند از این فراخوان پشتیبانی کرده و با تعطیلی مغازه ها، ادارات و همه مکان های کار و تحصیل به این ابتکار که به نظر می رسد اکنون دیگر به یک فراخوان سرتاسری در ایران تبدیل شده باشد، بپیوندند.

### چریک های فدایی خلق: تمامیت رژیم جمهوری اسلامی آماج خشم مردم دلاور ایران

#### است!

امروز تمامی تلاش این "اصلاحاتچی" های فریبکار درون رژیم این است که اعتراضات مردمی را در چارچوب نظام ضد خلقی و دیکتاتوری حاکم محصور سازند. اساس تضادهای موجود در بین این دارو دسته ها که اوج آن را در مورد نتایج مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری شاهد بودیم، چیزی جز اختلاف بر سر پرکردن جیب های خود و شیوه اداره نظام ضد خلقی حاکم و چگونگی سرکوب و کنترل توده ها برای حفظ و صیانت از این نظام نیست. شناخت و تاکید بر این واقعیت و بکارگیری تجربه آن در عمل از شروط پیشرفت هر چه بهتر جنبش اعتراضی کنونی است.

### بیانیه شماره ۶ میرحسین موسوی:

#### اعتراض به دروغ و تقلب حق شماس

بسم الله الرحمن الرحيم / انا لله و انا الیه راجعون

خبر دلخراش شهادت گروهی دیگر از معترضان به وقوع تقلب گسترده در انتخابات اخیر، جامعه ما را در بهت و سوگ فروبرده است. تیراندازی به مردم، پادگانی شدن فضای شهر، ارباب، تحریر و قدرت نمایی همگی فرزندان نامشروع قانون گریزی شدیدی است که در معرض آن قرار داریم و عجباً که بانان چنین شرایطی دیگران را به این خطا متهم می کنند. به کسانی که مردم را به خاطر اظهار نظر قانون شکن نامیده اند خبر می دهم که بی قانونی بزرگ عدم اعتنا و نقض صریح اصل ۲۷ قانون اساسی از سوی دولت در عدم صدور مجوز برای اجتماعات مسالمت آمیز است. آیا مردمی انقلابی که با مشابه همین اجتماعات ما و شما را از فراموشخانه های تاریخ ستم شاهی بیرون آوردند مورد ضرب و جرح قرار گیرند و تهدید به زورآزمایی شوند؟ اینجانب به عنوان یک هم سوگ همچنان مردم عزیز را به خویششننداری دعوت می کنم. کشور متعلق به شماس است. انقلاب و نظام میراث شماس است. اعتراض به دروغ و تقلب حق شماس است. به احقاق حقوق خود امیدوار باشید و اجازه ندهید کسانی که برای ناامیدی و ارباب شما می کوشند خشمتان را برانگیزند. در اعتراضات خود همچنان به پرهیز از خشونت پایبند بمانید و چون پدران و مادران دل شکسته با رفتارهای نامتعارف فرزندان در قوای امنیتی برخورد کنید. در عین حال از نیروهای نظامی و انتظامی انتظار دارم نگذارند خاطرات این ایام طمه های جبران ناپذیر به روابط آنها و مردم بزند. این که نام و نشان شهیدان، مجروحان و بازداشت شدگان به خانواده آنها اطلاع داده نشود و آنان در سرگردانی قرار گیرند هیچ سودی در برقراری آرامش ندارد و تنها احساسات را جریحه دار می کند. همچنین است دستگیری های فله ای که تنها موجب هتک پرهیزها و برداشته شدن رعایت ها میان فرزندان نظامی و انتظامی ملت و بدنه جامعه می شود. از خداوند متعال برای این شهیدان عزیز رحمت و علو درجات مسئلت می کنم و برای خانواده های داغ دیده شان صبر و اجر آرزو دارم. [میرحسین موسوی]

## بمناسبت روز جهانی حمایت از کودکان

کمک نیاز دارند.

بموجب آمارهای اعلام شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی، تعداد کودکان کار در جهان بالغ بر ۲۵۰ میلیون نفر می‌باشد. برخی از آمارها این رقم را تا ۲۶۵ میلیون نفر نشان می‌دهند. در ایران برخی از سازمان‌های بین‌المللی برآوردهایی را اعلام کرده‌اند. مطابق این آمارها در سال ۱۹۹۵ حدود ۷۱/۴ درصد کودکان بین ۱۰ تا ۱۴ سال ایرانی به لحاظ اقتصادی فعال بودند. البته سرشماری سال ۱۳۷۵ نیز نشان می‌دهد، که بیش از ۴ درصد جمعیت شاغل کشور را گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال تشکیل می‌دهند. طبق همین آمار جمعیت شاغل کشور ۵/۱۴ میلیون نفر بود، که ۴ درصد آن حدوداً ۶۰۰ هزار نفر می‌شود. البته این آمارها صحیح نبوده و آمارهای منابع مستقل حاکی از اشتغال حدوداً ۵/۱ میلیون کودک زیر ۱۵ سال در ایران کار می‌باشد.

از مجموع ۲ میلیون کارگاه موجود در سطح استان تهران، تنها کارفرمایان ۵۰۰ هزار کارگاه حقیقیه پرداخت می‌کنند. مطابق این اظهارات ۵/۱ میلیون کارگاه تنها در تهران وجود دارند، که وزارت کار نظارت و کنترلی بر آنها ندارد. اگر تنها در ۱۰ درصد از این کارگاهها فقط یک کودک و نوجوان کارگر وجود داشته باشد، حدود ۱۵۰ هزار کودک و نوجوان کارگر تهرانی بدون هیچ‌گونه پوشش بیمه‌ای مشغول بکارند. البته این آمارها جدای از هزاران کودک و نوجوانی است که در خیابان‌های پر ازدحام تهران به فروش کالا و گدایی می‌پردازند، و یا در مناطق مرزی کشور به حمل کالای قاچاقی مبادرت می‌ورزند. اضافه کنید به این ارقام شاغلین کارهای کشاورزی و خانگی و کارگران شاغل در کارگاه‌های غیرقانونی، که هرگز در آمارهای رسمی مورد محاسبه قرار نمی‌گیرند. پروضح است که چاره اندیشی برای صیانت از حقوق کودکان هرگز نیازمند آمار و ارقام چند میلیونی نیست، چرا که وجود حتی یک کودک در معرض آسیب و بهره‌کشی بایستی رویای دستیابی به فردایی بهتر را برای ما برهم زده، و ما را به چاره اندیشی جدی وادارد.

با تبریک روز جهانی حمایت از کودکان، به تمامی کودکان کار کشورمان و جهان، به کودکانی که مردان و زنان کارگر فدای کشورمان و جوامع بشری را شکل خواهند داد، تمامی انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب را دعوت می‌کنیم، مصرانه برای تحقق خواسته‌های زیر تلاش و رزند:

- ۱- تلاش صادقانه برای اجرای کامل تمامی بندهای بیانیه فرهنگ صلح و شورای گسترش فرهنگ صلح برای کودکان
- ۲- دخیل نمودن آموزش فرهنگ صلح در برنامه‌های آموزشی کودکان
- ۳- توجه به ارزش‌های زندگی و کوشش رذر ترویج آنها
- ۴- تلاش در حمایت همه جانبه از نیاز مادران باردار
- ۵- ترویج عشق به کودکان
- ۶- جلب توجه همگان به رشد کودکان
- ۷- دفاع از وضع قانون‌های جدید به نفع کودکان
- ۸- کوشش در جهت آموزش غیرمتمرکز و دوستدار کودک
- ۹- پرداختن به آموزش به عنوان یک حق برای همه کودکان
- ۱۰- کمک به توانمند شدن افراد جامعه در حمایت از کودکان
- ۱۱- پشتیبانی از آموزش و تحصیل رایگان، بدون هرگونه تبعیض

\*روز اول ماه ژوئن، روز جهانی حمایت از کودکان است. این روز، از سال ۱۹۴۹ به تصمصیم مجمع جهانی فدراسیون زنان دموکرات با این نام در تقویم ثبت شد. سازمان ملل متحد نیز ضمن پشتیبانی از این ابتکار، حمایت از حقوق، زندگی و سلامتی کودکان را یکی از اولویتهای فعالیت خود اعلام کرد.

\* در یافتی از ایمیل



همه روزه با بزرگسالان متعددی مواجهیم، که به نوعی آسیب دیده یا گرفتار معضلاتی نظیر اعتیاد، فقر، خیابان خرابی و ... هستند. کم نیستند کسانی که با ساده‌اندیشی و سطحی‌نگری، خود آسیب‌دیدگان اجتماعی را متهم ساخته و مدعی‌اند؛ عاقبت تبیلی و نتیجه لابلایی گری، بی‌مبالاتی و ... نمی‌تواند بیش از این باشد. بی‌تردید نمی‌توانیم این ادعا را در مورد کودکانی که در شرایطی مشابه گرفتارند، داشته باشیم. چرا که به خوبی واقفیم، کودکان به خودی خود هیچ نقشی در به وجود آوردن شرایطی که گرفتارند، نداشته‌اند. و شرایط دشوار آنان حاصل عملکرد و نتیجه تصمیماتی نیست که خود اتخاذ نموده‌اند. شاید خانواده این کودکان اولین متهمانی هستند که ما در جستجوی مقصرین وضع موجود آمده نظر ما را بخود جلب خواهند نمود. اما اگر بخواهیم زندگی والدین این کودکان را واکاوی نماییم، در خواهیم یافت که خانواده‌ی امروز این کودکان، خود کودکان آسیب دیده دیروز جامعه هستند. و در واقع شرایط موجود کودک بازتولید شرایط پدر و مادر اوست. سخت نخواهد بود که دریابیم کودک و خانواده او گرفتار دور باطلی در یک سلسله مناسبات اجتماعی هستند، که هرگز مجال برون رفت از آن را نداشته‌اند. اگر وضع بدین منوال ادامه یابد، و گردانندگان جامعه و اندیشمندان اجتماعی چاره‌ای برای تغییر این شرایط و مناسبات حاکم نیندیشند، تنها بسیاری از کودکان و خانواده‌هایشان در گرداب آسیب‌های اجتماعی از دست خواهند رفت، بلکه کودکان و نسل‌های بعدی آنان نیز در همین چرخه گرفتار مانده و دشواریهای موجود در ابعادی به مراتب گسترده‌تر بازتولید خواهند شد. بطوریکه می‌دانیم اندیشیدن برای کودکان و زنان به دلیل شرایط شکننده‌ترشان از اولویت قابل توجهی برخوردار است. ولی کدامین جوامع و مناسبات اجتماعی است که قادر است، فارغ از هر قید و شرطی به مصالح و منافع انسان‌ها، به ویژه کودکان بیندیشد؟

ایا نظام سرمایه‌داری که تنها به دنبال تامین منافع نامشروع عده‌ای قلیلی سرمایه‌دار است، نظامی که هر روز به پنهان‌های به گوشه‌ای از کره خاکی لشکرکشی کرده و میلیونها مرد و زن و کودک را قتل عام می‌کند، می‌تواند چنین خواستی را برآورده سازد؟ و یا ایدئولوگ‌هایی که اقدام نظام سرمایه‌داری جهانی در چپاول دسترنج زحمتکش‌ان و غارت ثروت ملل تحت سلطه را توجیه می‌نمایند، می‌توانند ادعا کنند که به حقوق کودکان پای‌بند هستند و به مصالح کودکان می‌اندیشند؟

با نگاهی اجمالی و تحلیلی مختصر از رفتارهای انسانی و رشد فکری بشر در زمینه‌های مختلف از جمله روانشناسی و امر تعلیم و تربیت به این نکته پی می‌بریم که رفتارهای انسانی، ناشی از تاثیر عوامل پیرامونی و محیط اجتماعی اوست. "اگر باور داریم که سجایای اخلاقی انسان ثمره محیط اوست، پس باید محیط را انسانی کنیم". پس با ظهور و وقوع این تغییر نگرش بود که به مرور تحلیل اجتماعی و جامعه‌شناختی درباره انسان و رفتار او رواج یافت. و انسانهای فداکار بی‌شماری تلاش و مبارزهای پایان ناپذیر را برای اصلاح جامعه و مناسبات آن، با هدف انسانی کردن شرایط برای انسان آغاز کردند. نمونه بارز چنین انسان‌های از جان گذشته و ایثارگری، کارگر مبارز و انقلابی آمریکایی در سال های ۱۹۰۰ خانم "مری جونز" می‌باشد. وی برای نخستین بار با سازماندهی گروهی از کودکان کار در سال ۱۹۰۳ از شهر فیلادلفیای آمریکا راه‌پیمایی طولانی را برای متوقف کردن کار کودکان آغاز کرد. بی‌تردید او نخستین و آخرین فردی نبود که در این راه مبارزه می‌کرد.

مبارزات خانم "مری جونز" و دیگر معاصرانش بی نتیجه نماند. در یازدهم آوریل ۱۹۱۹ سازمان جهانی کار (ILO) در واشنگتن تاسیس شد، و در همان سال مقاله‌نامه شماره ۵ در مورد حداقل سن اشتغال کودکان (در صنعت) را تصویب کرد. بدنبال آن مقاله‌نامه شماره ۶ در مورد ممنوعیت اشتغال نوجوانان در شیفیت شب (در بخش صنعت)، و مقاله‌نامه شماره ۷ در مورد تعیین حداقل سن کودکان (در دریا و کشتی رانی) و مقاله نامه شماره ۱۶ با عنوان "ضرورت انجام آزمایشات پزشکی برای افراد جوان متقاضی کار در دریا" را تصویب نمود. مقاله‌نامه‌های دیگری، نظیر مقاله‌های ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۳۳، ۵۸، ۵۹، ۷۷، ۱۸۲ و ... هم از جمله مصوبه‌هایی بودند که سازمان جهانی کار تصویب نمود. همچنین مجمع عمومی این سازمان در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۹ "اعلامیه جهانی حقوق کودک" را تصویب کرد، و در تکمیل این حرکت و به عنوان اقدامی اجرایی‌تر، در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ "پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک" به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در سال ۱۹۹۹ مقاله‌نامه‌ای به تصویب رسید، که ابزار اجرایی‌تری را در اختیار گروه‌های دنبال کننده این اهداف گذاشته شد.

متأسفانه با این همه تلاش و تصویب دهها مقاله‌نامه و توصیه‌نامه و پیمان‌نامه، در سال ۱۳۸۶ با جمعیت ۲۵۰ میلیونی کودکان کار روبرو هستیم. همه روزه اخبار و گزارشاتی از تجارت و برده‌داری مدرن کودکان، و استفاده‌های غیراخلاقی از کودکان را شاهد هستیم. بطوریکه در همان زمان حدود ۲۰۰ کودک عراقی در زندان‌های عراق وجود داشتند، که هنوز هم عده زیادی از آنها در زندانند. کودکانی که به آنها تجاوز شده و شکنجه شده‌اند. مقاله‌ای در یک نشریه اسپانیایی از اوضاع این دو بیست کودک می‌نویسد، و ژنرال حسن اوئید یک مقام وزارت داخله جواب می‌دهد: "که ما بیش از صد بچه زندانی نداریم". این جواب گویاتر از هر توضیحی است. یا در بازداشت‌گاه‌های آمریکاییان در عراق از ۳۵۷۱ نفر زندانی، ۴۹۰ نفرشان کودک بودند. عمر ۱۴ ساله یکی از ۴۵۰ زندانی بود که پس از آزادی از اوضاع دو بازداشتگاهی صحبت می‌کند، که بیش از هفت ماه در آن دو زندانی بوده است. موسی کودک دیگری که متهم به همکاری با مقاومت است و سال گذشته آزاد شد، می‌گوید: "آنها زندانیان را با بدنیه کتری داغ شکنجه می‌کردند، و بعد می‌دادند تا سگ‌ها آنها را گاز بگیرند، بعضی از زندانیان وقتی به سلول‌ها باز می‌گشتند، از درد تجاوز ناله می‌کردند." "جیل‌درابیا" سخنگوی سازمان دفاع از قربانیان جنگ می‌گوید: "دست کم هر هفته دو کودک و اولیای آنها برای درخواست کمک به دفتر او می‌آیند مقام‌های مربوطه می‌کوشند تا واقعیت‌ها را پنهان کنند. اما حقیقت این است که آنها زندانی هستند. قبل و بعد از آزادی به

## قصاص کودکان ، خشونت دینی علیه کودکان

سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده که دوران کودکی مستلزم مراقبت و مساعدت ویژه میباشد. در اعلامیه‌ی حقوق کودک تصریح گردیده کودک (زیر ۱۸ سال) به دلیل عدم رشد کامل جسمی و ذهنی قبل از تولد و نیز پس از آن به مراقبت و محافظت ویژه از جمله حمایت حقوقی مناسب است. در بند الف ماده ۳۷ پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۲۹ فروردین ۱۳۶۸ آمده است: "هیچ کودکی مورد شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نگیرد. مجازات اعدام، یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرمهایی که اشخاص زیر ۱۸ سال مرتکب میشوند اعمال گردد." حال مقایسه کنید این بند از پیمان نامه حقوق کودک را با خبری که در تاریخ ۱۲/۲/۸۸ در روزنامه‌های کشور درج گردید: "قصاص دلآرا در زندان مرکزی رشت".

بخش عظیمی از جمعیت هر کشوری را کودکان تشکیل می‌دهند. این بخش عظیم انسانی آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هستند. افزایش ارتکاب جرم در سنین پائین، سنی که هر فرد انسانی کمتر از ۱۸ سال "کودک نامیده میشود. مخصوصاً بین ۱۲-۱۸ سال که سن شکل‌گیری شخصیتی نوجوان است و تحت تاثیر بحران‌های شدید روحی، روانی، جنسی و جسمی است.

در این سنین حس استقلال‌جویی نوجوانان و جوانان بسیار شدید است، بیشتر می‌خواهند متکی به خود باشند و بدنبال هنجار شکنی هستند. تصمیم‌گیری‌شان کودکانه است، و کنترل کمتری بر احساسات خود در مواقع عصبانیت و هنگام درگیری‌ها دارند. همواره آگاهی کافی از آنچه که انجام می‌دهند را ندارند. تاثیرات هورمونی در این سنین بسیار شدید بوده و اگر این کودکان به بلوغ جنسی و جسمی نیز رسیده باشند، بلوغ فکری و عقلی در آنان به وجود نیامده است.

تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهد، جرمی که کودک مرتکب می‌شود و در سیستم قضائی جمهوری اسلامی منجر به صدور حکم قصاص می‌گردد، معمولاً در اثر دعوا و درگیری‌های ناگهانی بر سر مسائل جزئی و کم اهمیت بوده است، و هیچ قصد و انگیزه قبلی برای قتل وجود نداشته، و بیشتر نقش و تاثیر عوامل محیطی و اجتماعی (در به وجود آمدن درگیری‌ها و نزاع‌های خیابانی) و در دوری از هنجارهای اجتماعی (در به همراه داشتن چاقو و ...) و محصول شرایط تربیتی و اجتماعی (در طراحی و توزیع بازیها و فیلم‌هایی با صحنه‌های خشونت بار و نمایش خون) بوده است. این کودکان با حکمی که می‌گیرند در واقع قربانیان شرایط نابه‌هنجار اجتماعی و محیطی هستند. این کودکان قربانیان نژادهایی هستند، که وظیفه آموزشی، تربیتی و برنامه‌ریزی را دارند.

مخدوش بودن سلامت روانی جامعه، عدم مدیریت صحیح اجتماعی، عدم مدیریت صحیح آموزشی و پرورشی، بی توجهی و نادیده گرفته شدن خواسته‌ها و حقوق اولیه کودک در جامعه و خانواده (مخصوصاً در خانواده‌های کم درآمد و فقیر)، فقدان شغل، پایین بودن انگیزه تحصیل و ...، همچنین کودکانی که معمولاً دچار مشکل عاطفی و تربیتی‌اند، از این کودکان آسیب‌پذیر، کودکانی بزه‌کار و مجرم می‌سازد. این کودکان مجرم و بزه‌کار به دنیا نمی‌آیند، بلکه فقط کنش و رفتارهایشان انکاسی از ناهنجاری‌های جامعه و خانواده است.

اگر مجازاتی برای جرم در این سنین برای افراد در نظر گرفته می‌شود، باید بر اساس مسئولیت اجتماعی‌شان باشد، نه به نسبت جرمی که مرتکب شده‌اند. تا این کودکان بتوانند فرصتی برای جبران پیدا کرده و به زندگی طبیعی بازگردند. در صورتیکه معمولاً احکام صادره در سیستم قضایی جمهوری اسلامی برای مجازات این افراد در سنین پایین و برای جرم واحد برابر با احکامی است که برای افراد بزرگسال در نظر گرفته شده است.

جمهوری اسلامی کشوری است که در مجازات مرگ و اعدام برای کودکان مقام اول را دارا بوده و سالانه چندین نفر از این گروه سنی را به بالای چوبه‌های دار می‌فرستد. جمهوری اسلامی در سی سال حاکمیت خود همواره عدم پابندی و ترتیب اثر دادن به معاهدات بین‌المللی، نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های مربوط به آن و نادیده گرفتن آشکار حقوق کودکان را در پرونده خود دارد. جمهوری اسلامی جزء ۵ کشوری (ایران، پاکستان، عربستان، یمن و سوئدان) است، که کماکان حکم قصاص و اعدام برای کودکان در آن صادر و به مورد اجراء گذاشته می‌شود.

طبق قوانین مدنی بسیاری از کشورهای جهان سن مسئولیت کشوری برای هر فرد انسانی ۱۸ سال تمام است. سنی که آن را مرزی بین کودکی و بزرگ سالی می‌دانند. در قوانین مدنی جمهوری اسلامی تنها موردی را که می‌توان از نظر حقوقی در زمینه مبری بودن کودکان از حکم اعدام را یافت، ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی است. متأسفانه قوانین جمهوری اسلامی سن مسئولیت کیفری را بلوغ شرعی (سن بلوغ) می‌داند، و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی هم سن مسئولیت کیفری را برای کودکان دختر ۹ سال قمری، و برای کودکان پسر ۱۵ سال قمری تعریف نموده است. در صورتیکه امور مدنی را باید متفاوت از امور کیفری دانست. متهمانی که در این گروه سنی قرار دارند، در صورتی که برایشان حکم قصاصی صادر شود، تا سن ۱۸ یا بیشتر در زندان نگهداری و سپس اعدام می‌گردند. لازم به توضیح نیست که حتی اگر برخی از این کودکان شناسی برای زنده ماندن داشته و از اعدام و زندان رهایی پیدا کنند، در طول دوران محکومیت به مرگ چنان روحیه ترس و یاس و ناامیدی و حالت‌های روانی غیرعادی و غیر طبیعی بر آنان مستولی می‌شود، که به هیچ‌وجه جبران پذیر نخواهد بود. تاثیر روانی بسیار مخرب این دوره زمانی بر خانواده (پدر، مادر، خواهر و برادر و ...) فرد متهم به قصاص که همواره در انتظار مرگ فرزندشان هستند، نیز بسیار سخت و جبران‌ناپذیر است.

"دل‌آرا دارایی به چوبه‌دار آویخته شد"، جان چندین کودک دیگر نیز با حکم قصاص در خطر است. پایان دادن به این خشونت دینی عربان و وحشتناک در ایران، اقدام مشترک جامعه بین‌الملل و تمامی نیروهای سیاسی، اجتماعی و مبارزان حقوق بشر، مدافعان حقوق زنان و دوستداران حقوق کودک را طلب می‌کند.

## مأموریتی جدید برای راه توده و پیکنت

اخیراً شاهد در حرکت مذموم و مشکوک از جانب "راه توده" و سایت وابسته به "آن پیکنت" بوده‌ایم. نخست آنکه نمایندگان راه توده به دروغ و با جا زدن خود بعنوان نمایندگان حزب توده در "هجدهمین سمینار بین‌المللی کمونیستی" که به میزبانی حزب کارگران بلژیک در بروکسل تشکیل گردیده بود، شرکت نمودند. در این رابطه با تماس رهبری حزب توده با مسئول شعبه بین‌الملل حزب کارگران بلژیک که میزبانی این نشست را بر عهده داشتند، روشن گردید که افراد "راه توده" برای کسب اجازه شرکت در این نشست، خود را به دروغ نمایندگان حزب توده ایران معرفی کرده‌اند. مسئول روابط بین‌المللی حزب "کارگران بلژیک" گفته است که: "این افراد با حيله و تقلب خود را نمایندگان حزب معرفی کردند و وارد جلسه شدند".

دوم اطلاعیه‌ای بود که از طریق سایت پیکنت و به تبع آن در یکی دو تا از سایت‌های هم‌سو، به نام هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور) درج گردید. امضای این اطلاعیه با حمایت از کاندیداتوری موسوی، بگونه‌ای بود که تمامی هواداران سازمان در داخل کشور را شامل می‌گردید. اینکه اطلاعیه مزبور با موضع‌گیری سازمان مطابقت نداشته، و بیانگر دیدگاه کل و یا حتی بخش عمده‌ای از اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور هم نبوده است، شکی نیست. بطوریکه سایت کار آنلاین از درج آن خودداری و دبیرخانه سازمان و بخشی از هواداران سازمان در داخل کشور نیز با انتشار بیانه‌هایی از آن تبری جستند. البته داشتن دیدگاهی مغایر با دیدگاه رهبری و اعلام بیرونی آن در سازمان ما امر غریبی نیست. بگونه‌ای که بعضی از هواداران و اعضای سازمان در داخل و خارج مغایر با نظر سازمان یا رأی ندهاند و یا رأی سفید داده‌اند. بنابر این موضع صادر کنندگان این بیانه کذایی نمی‌تواند، موضوع چالش ما قرار گیرد. موضوع مهم و کلیدی امضای زیر اعلامیه و شکل انتشار آن بود.

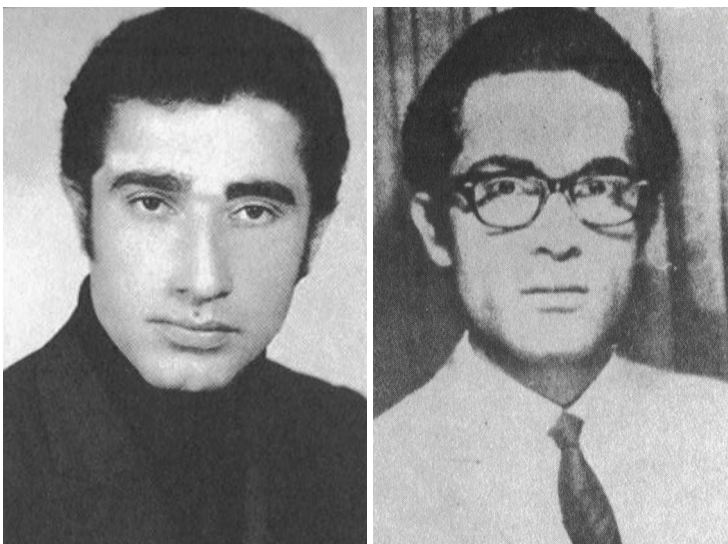
به نظر می‌رسد آقایان راه‌توده‌ای و پیکنتی خارج از وظایف تعریف شده‌شان، برای تخریب حزب توده، مسئولیت جدیدی را هم پذیرفته‌اند. از این به بعد باید شاهد اقدامات مخرب اینان در مورد سازمان ما و دیگر نیروهای چپ نیز باشیم. ما به این حضرات توصیه می‌کنیم که به همان وظیفه قبلی بسنده کنند، و بهتر است که سرشان به ... خودشان باشد.

## به یاد خسرو روزبه - قهرمان ملی ایران

پنجاه و یک سال قبل، در سپیده دم ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ قلب پرشور و سرشار از عشق رفیق خسرو روزبه قهرمان ملی ایران آماج گلوله‌های دژخیمان، رژیم بر آمده از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد قرار گرفت و از تش باز ایستاد و بدین سان نام این رزم آور دلیر زحمتکشان ایران به تاریخ پر حماسه و غرور آفرین پیکار خلق های ایران بر ضد ستم و بیادگری پیوست!

## ۲۷ اردیبهشت مصادف با سی و هشتمین سالروز شهادت

رفیق امیر پرویز پویان و رحمت پیرو نذیری است.



یاد و نامشان گرامی باد

## طبقه کارگر؛ مبارز پیش قدم در راه دمکراسی

شدیدتر پناه گرفته اند. دمکراسی بورژوایی فقط با محدود کردن نیازها می تواند به خواست کرگران و زحمتکشان پاسخ دهد، و جز از طریق کاهش حقوق انسانی قادر به تضمین تداوم دمکراسی بورژوایی نیست.

در مقابل صفات ایجابی، بورژوازی دارای صفاتی سلبی نیز هست. بعضی از صفات مطلقاً شامل حال بورژوازی نمی شود، و لازم است صفات فوق را ند در بین سرمایه داران بلکه در بدنه جامعه، و در میان کارگران و زحمتکشان جستجو نمود. مثلاً اگر بخواهیم تلاش در راستای لنو استثمار را بعنوان صفتی ممکن برای سرمایه داران قابل شویم، آیا به لحاظ تاریخی حتی برای مقطعی هرچند اندک، بروز چنین خصوصیتی را برای بورژوازی ممکن می دانیم؟ و چنین ادعایی با عقل سلیم، فهم و شعور انسانی آگاه، منطبق خواهد بود؟ جواب این سؤال حتی از طرف خود سرمایه داران منفی خواهد بود. چرا که صفت گرگ همواره درندگی بوده است. همانگونه که درندگی، ظلم و استثمار صفتی ایجابی برای سرمایه داری است، عکس آن هم صفتی سلبی خواهد بود. همانطور است عدم زورگویی و مبارزه با دشمنان دمکراسی که از صفات سلبی سرمایه داران و زورمداران صاحب قدرت سیاسی و اقتصادی می باشد؛ با استناد به همان صفات ایجابی و سلبی، فرضاً نمی توانیم صدور سرمایه به اقصی نقاط جهان از طرف سرمایه داری هار و منفعت طلب را بعنوان صفتی انسانی، و یا کنار گذاشته شدن خصلت های ویرانگر و خانمان سوز آنان برای کارگران بحساب آوریم؟ این ادعا زمانی می توانست صادق باشد که آنها بجای صدور سرمایه، بقول مارکس؛ "ممن جهان وطنی تولید را پیشه خود سازند." که این خواست منطقی از توان این طبقه خارج است. اینان با زدن انگ دیکتاتوری و استناد به توری هایی مانند دیکتاتوری پرولتاریا تنها میخواهند، کارگران و زحمتکشان جهان و کمونیست ها را مخالف دمکراسی و دیکتاتور جلوه دهند. حال آن که کارگران و زحمتکشان جهان معتقدند "دمکراسی با هر فرد از مادرزاده می شود" و دمکراسی طلبی از صفات ایجابی کارگران به حساب می آید. از این رو آنان همواره با متعرضین علیه دمکراسی در سبز و پیکارند. کارگران و زحمتکشان در پی دمکراسی واقعی و مشارکتی که اکثریت جامعه و به تبع آن کارگران و زحمتکشان را در اداره امور کشور از جمله امور اقتصادی و سیاسی سهیم می سازد، و امکان بهره مندی برابر را از تولیدات اجتماع و ثروت طبیعی برای تمامی آحاد جامعه فراهم می سازد، می باشند.

دمکراسی واقعی بعنوان صفت ایجابی کارگران و زحمتکشان محسوب می گردد. آنها می خواهند با امحاء مناسبات سرمایه داری و دولت حامی نظام سرمایه داری، به جای حکومت سیاسی موجود و دولت سرمایه داری بعنوان ارگان سرکوب، هنر اداره امور جامعه را مطرح کنند. و خطر جنگ و تحمیل هزینه های دفاعی را از جامعه و گرده زحمتکشان حذف کنند. در مقابل ایدئولوگ های بورژوازی با استناد به شکست و فروپاشی شوروی این امر را یک اوتوپیا می خوانند. هرچند که این تجربه نه چندان طولانی کارگران و زحمتکشان در مقایسه با تعداد شکست های سرمایه داری از نظام های ماقبل خود به لحاظ تعداد و زمان طولانی آن قابل مقایسه نیست. اما همین شکست خو تنها ناشی از عوامل داخلی نبود. هفتاد سال تحریم اقتصادی، تحمیل دهها سال جنگ داخلی و خارجی از جمله جنگ جهانی دوم، ثروت ناشی از تلاش و کوشش میلیون ها کارگر شوروی را بجای سازندگی جامعه سوسیالیستی به کام آتش جنگ و مسابقه تسلیحاتی کشاند. آنها عمداً فراموش می کنند که دول امپریالیستی متفقاً برای هفتاد سال برای تخریب و شکست و فروپاشی کشور شوراها تلاش نمودند. مطمئناً قدرت یابی و دوام آن نظام می توانست، برای رهایی تمام زحمتکشان جهان از یوغ استثمار و بدبختی، و رسیدن به استقلال و آزادی، برابری و عدالت اجتماعی پشتوانه مستحکم باشد، همانگونه که بود.

تنها زمانی می توان از وجود دمکراسی واقعی سخن گفت، که دمکراسی از دایره سیاسی به دایره اقتصادی فرا برود، و تأمین عدالت اجتماعی و زدودن چهره کربه سلطه و استثمار از جامعه بشری مستحق گردد. از نظر تئوریکسین های سرمایه داری این عمل غیر ممکن بنظر می رسد، آنها حق دارند چنین فکر کنند. چرا که تحقق چنین امر خطیری با مرگ بورژوازی و انهدام ماشین دولتی سرمایه قرین خواهد بود. زوال طبقات به لحاظ تاریخی در گذشته بوده، در آینده هم خواهد بود. ماتریالیزم تاریخی مستدل ترین گواهی را در این مورد دارد. بنابراین دمکراتیک ترین و انسانی ترین نوع جامعه نمی تواند وجود داشته باشد، مگر با مبارزه پی گیر و مداوم برای محو سلطه طبقاتی، و برقرار نمودن جامعه ای برپایه عدم استثمار و زور و حق کشی توسط تمامی کارگران و زحمتکشان جهان برای استقلال، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی.

از نظر مارکس؛ به لحاظ تاریخی تمایز طبقاتی صرفاً با ظهور محصول اضافی - که ناشی از تکامل نیروهای تولیدی است، پدیدار می شود. یعنی آنچه که بیش تر و فراتر از نیازهای باز تولید تولیدکننده مستقیم تولید می شود. این کلید معنای طبقه در نزد مارکس است. طبقات صرفاً برحسب فرایند تولید - که پیش از تفکیک طبقاتی وجود داشت و پس از زوال طبقات نیز وجود خواهد داشت - تعریف نمی شوند، بلکه آن را باید در ارتباط با تولید اضافی، بویژه در ارتباط با کنترل بر تخصیص محصول اضافی، تعریف کرد. به هر جامعه ای از این عدسی بنگرید، دو طبقه اساسی پدیدار می شود. یکی طبقه تولیدکنندگان مستقیم است - این اصطلاح ژنریک مارکس برای کسانی است که کار تولیدی عملی را انجام می دهند - طبقه کارگر هر جامعه بخصوص. دیگری طبقه ایست که تخصیص محصول اضافی را کنترل می کند، یعنی طبقه حاکم. این کنترل می تواند بر کنترل ابزار تولید عملی شود، بدین سان این دو طبقه تعریف شده همان به اصطلاح طبقات قطبی جامعه اند. همان طور که مارکس در گفتگو از رابطه سرمایه دار/کارگر در جامعه بورژوایی عنوان می کند "نهائیت های یک رابطه تولیدی" اند تا اینجا می شود گفت بطور اجمال تعریفی از طبقه را در دست داریم از طبقات دیگری هم مارکس نام برده که لزوم گفتار آنها در این مقاله ضروری نیست (۱).

چرا مارکسیزم برای مبارزه ی طبقاتی اولویتی تعیین کننده قائل است. علت چنین تأکیدی را نباید در این موضوع جست که طبقه تنها شکل ستمدیدی و یا حتی منشاء غالب، استوار یا بی رحمانه ی کشمکش طبقاتی است؛ بلکه طبقه عرصه ی سازمان اجتماعی تولید است. که شرایط مادی وجود خود را می آفریند. نخستین اصل ماتریالیزم تاریخی، طبقه یا مبارزه طبقاتی نیست. بلکه سازمان زندگی مادی و بازتولید اجتماعی است. زمانی طبقه وارد صحنه می شود که دسترسی به شرایط وجود و ابزارهای تصاحب (مزاد) به شیوه های طبقاتی سازمان داده شود، یعنی هنگامی که به دلیل دسترسی متفاوت به ابزارهای تولید یا تصاحب، پاره ای از مردم ناچار می شوند مرتباً کار مزاد را به دیگران انتقال دهند. (۲) "آن چه تولیدکنندگان مستقیم را وامی دارد تا بیش از مصرف خود تولید کنند و این مزاد را به فرد دیگری انتقال دهند، ضرورتی اقتصادی است، که تأمین معاش آنها را از انتقال کار مزاد جدائی ناپذیر می کند. در سرمایه داری کارگران مزدبگیر که ابزاری برای خود ندارند. تنها با برقراری رابطه با سرمایه به آن دست می یابند. البته این امر لزوماً به این معنا نیست که کسانی که ملزم به انتقال کارمزاد خود هستند فقط نیازهای ابتدایی خود را دریافت می کنند. مقصود اینست که انتقال (مزاد) شرط لازم برای دسترسی آنها به ابزارهای بقا و بازتولید و هر چیز بیش تر و بالاتری است که بتوانند با این ابزارها بدست آورند. چنین روابطی رامی توان حتی در نبود هر نوع ابزار نمایش کمی "مزاد" یا اندازه گیری سود نسبی تولیدکنندگان و مالکان نشان داد. ما باید تأیید کنیم که جمله شرایط لازم بازتولید تولیدکننده رابطه با مالکی است که مدعی بخشی از تولید اوست." با در نظر گرفتن گفته های بالا که خیلی بطور اجمال بیان شده و چکیده ای از یک مقوله بسیار مطول معنادار می باشد. نخستین شرط لازم در اینجا اینست که هیچ توهمی درباره معنا و اثرات دمکراسی در سرمایه داری نداشته باشیم. این امر به معنای نه تنها درک محدودیت های دمکراسی سرمایه داری است، یعنی این واقعیت که حتی دولت دمکراتیک سرمایه داری با نیازهای انباشت سرمایه در قید و بند قرار می گیرد، و دمکراسی لیبرالی استثمار سرمایه داری را اساساً دست نخورده باقی می گذارد. بلکه به ویژه کاهش ارزش دمکراسی است که در مقایسه های قبلی خود میان دمکراسی باستانی و مدرن آن را مورد بحث قرار می دهیم. با این اوصاف اگر ما به جنبه های ایجابی سرمایه داری عنان گسیخته و دمکراسی صوری آن که کاملاً مطلبی قلبی و غیرواقعی است توجه نماییم، و در فهم این رویداد کاملاً تاریخی دقت بیشتر نمائیم، آن موقع خواهیم توانست دمکراسی جامعه طبقاتی را بخوب تحلیل کرده و اثبات کنیم؛ که این دمکراسی فقط به درد جامعه کاملاً بورژوایی ناب می خورد. در سطور بالا به مشخصات جامعه بورژوایی با دمکراسی مورد ادعایش اشاره گردید، اما صفات ایجابی جامعه سرمایه داری؛ عبارتست از تاراج هر چه بیشتر سود یا همان ارزش اضافی (پایمال نمودن حقوق واقعی تولیدگر از طریق ستاندن بازتولید تولیدش)، بیکارنمودن زحمتکشان در برابر بحران های بوجود آمده که موجدش همان طلب سود بیشتر سرمایه داران می باشد، حذف تأمین اجتماعی با نپرداختن حق بیمه، حق اولاد، نادیده گرفتن سایر حقوق و مزایای کارگران و زحمتکشان و ... که مثنوی یک من کاغذ را می طلبد. با این صفات ایجابی که برشمریم چگونه این طبقه استثمارگر می تواند دمکراسی را برای زحمتکشان عرضه بدارد؟ اندیشیدن به مفهوم اجتماعی دمکراسی ناگزیر این نکته رایش می کشد.

که آزادی در جامعه بورژوایی با قدرت سیاسی چگونه هم خوانی خواهد داشت. اگر بخواهیم به معنی واقعی دمکراسی که همان دخالت عموم در سرنوشت خویش - از جمله سرنوشت اقتصادی - است، دست یابیم، بایستی حقوق زحمتکشان را که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، را در اولویت خود قرار دهیم. و بدانیم که حضور تعیین کننده کارگران و زحمتکشان در عرصه دمکراسی شرط لازم و ضروری دستیابی به امر دمکراسی می باشد. دمکراسی به قول مارکس "با هر فرد از مادر زاده می شود." این چپالوگران جامعه سرمایه داری هستند که با نام بخشاینده دمکراسی به انسانها می خواهند مارک دمکراسی را از آن خود نمایند. در حالی که ادعا و خواست آنها تنها لایه ای است که زیر آن برای ظلم بیشتر و استثمار

(۱) کتاب نظریه انقلابی مارکس هال درپیر ترجمه حسن شمس آوری. ص ۵

(۲) کتاب دمکراسی در برابر سرمایه داری آلن میک سینزود ترجمه حسن مرتضوی. ص ۱۳۳

## بحران سرمایه‌داری و جنبش کارگری

در کنار شعار عام و جهانی فوق، کارگران ایران به مثابه یکی از این گردانهای جهانی، با دشواری‌های مضاعف و خود ویژه، و از جمله سه چالش و معضل زیر مواجه‌اند. که بار فشار برگردانی آنان را چندین برابر می‌کند:

الف- بحران اقتصادی موجود در یک دولت رانتی متکی به نفت، با توجه به کاهش شدید قیمت‌های جهانی و بحران مزمن اقتصادی، ابعاد شدیدتر و دردناک‌تری دارد. سیاست شوکت‌ترایی موسوم به آزادسازی قیمت‌ها از طریق حذف پارانهای دولتی، دارای پی‌آمدهای شدید و دردناک اقتصادی و اجتماعی مضاعف است. سیاست فوق از رؤس اصلی برنامه جمهوری اسلامی در سال جاری است که با شعار بهبود الگوی مصرف آذین‌بندی شده است. مساله تورم عنان گسیخته و رسماً ۴/۲۵ درصدی موجود - یکی از بالاترین نرخ‌ها در منطقه و جهان - به سرعت سطح زندگی اقشار زحمتکش را تحت تأثیر قرار داده است. سیاست بیکارسازی لجام‌گسیخته، همراه با سرکوب و بی حقوقی کارگران در نظام استبدادی دینی، گسترش بی‌سابقه کارهای موقت و قراردادی موسوم به کاغذی و افزایش ساعات و شیفت‌کار و فرسودگی ناشی از آن، نه فقط سطح زندگی را بسرعت تنزل داده، بلکه با دامن‌زدن به رقابت‌های درونی و تقویت روحیه کنش‌های انفرادی برای نجات آنچه در معرض خطر از دست دادن قرار گرفته، کل صفوف و موقعیت کارگران و قدرت چانه‌زنی آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد. چنین وضعیتی با تشدید ستم و فشار مشترک بر همه زحمتکشان، ترسیم افقی تاریک و مبهم از آینده، بازتولید کننده روحیه مبارزات انفرادی و تکیه یک جانبه بر نبردهای موضعی و خود بسنده، پرهیز از گره‌زدن مبارزات خود با مبارزات بخش‌های دیگر طبقه، و مبارزات خرد با مطالبات کلان می‌شود. حال آنکه می‌دانیم بدون پیوند مطالبات و مبارزات خرد با مطالبات و



مبارزات کلان برون رفتی بر بحران همه‌جانبه و عمیق کنونی بسود کارگران متصور نیست. ب- حاکمیت جمهوری اسلامی همراه با تشدید فلاکت و بحران اقتصادی، امر سرکوب بیشتر کارگران و تشکلهای کارگری، تغییر قانون کار و الغاء آن را به مثابه سیاست مکمل پیش می‌برد. و سیاست‌های اقتصادی تعدیل ساختاری پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول در دستور کار خود قرار داده است. همین امر ضرورت اتحاد هر چه بیشتر صفوف کمابیش متفرق نیروی کار و نبردهای پراکنده کنونی را طلب می‌کند.

ج- معضل دیگر رفرفرمیسیم مبتدلی است که سعی در زدودن رزمندگی از جنبش کارگری کشورمان دارد. منادیان سازش هر از گاهی با علم کردن موضوعی سعی در کشاندن پای جنبش کارگری به بازی‌های سیاسی جناح‌های مختلف جمهوری اسلامی دارند. انتخابات اخیر و شرکت بعضی از مدعیان مدافع طبقه کارگر به نفع کاندیداهای اصلاح‌طلبان از نمودهای بارز این سیاست سازشکارانه است. آنها که "از ترس گرگ به کفتاری پناه می‌برند"، تمامی تلاش خود را برای شکستن فضای تحریم، یعنی مهم‌ترین و بزرگترین صف آرائی سیاسی شهروندان در برابر رژیم، بکار بستند. تا کارگران و مردم ناراضی را در بیهوده بزرگترین تهاجم سرمایه‌داری به زندگی آنها، به پای "انتخابات" بکشانند. توهم اصلاح رژیم با داغ کردن تئور نمایشات انتخاباتی و شکستن اراده‌ی عدم مشارکت مردم، در معرکه‌ای که شرکت در آن جز به تقویت موقعیت متزلزل رژیم و تیز کردن تیغ سرکوب و آشفستگی صفوف در حال تکوین کارگران، به سرانجامی دیگر منتهی نخواهد شد.

سرمایه‌داری جهانی با یکی از شدیدترین بحران‌های ۸۰ سال اخیر خود مواجه است. و باز هم مانند همیشه راه برون رفت از بحران را در سرشکن کردن هزینه‌های بحران بردوش کارگران و زحمتکشان، از طریق بیکارسازی دهها میلیونی، تزریق مبالغ تریلیونی و کمک‌های گشاده‌دستانه از خزانه عمومی متعلق به جیب شرکت‌های فراملیتی و مؤسسات مالی، از طریق کاهش سطح زندگی توده‌های کار و زحمت، و در یک کلام ویرانگری و خانه‌خرابی میلیونها انسان دنبال می‌کند. تا مؤسسات سرمایه‌داری مجدداً به نقطه تعادل و مطلوب سودی برسند. بی شک نظام سرمایه‌داری با گرفتار شدن در یک چنین بحرانی در موقعیت ضعیفی قرار گرفته و شرایط بالقوه مستعدی برای پایان دادن به عقب‌نشینی‌های چندین ساله نیروی کار - که تحت فشار نتولیرالیسم مجبور گردیده بود - شروع پیشروی آن فراهم شده است. اما امکان فعلیت یافتن این زمینه بالقوه مستعد را دو عامل اساسی تهدید می‌کند: نخست آفت رقابت‌های موجود در میان صفوف کارگران در مقیاس جهانی و ملی، و دیگری خطر رفرفرمیسیم و شعارهای اصلاح‌طلبانه و معطوف به ترمیم

سیستم موجود توسط دولتهای سرمایه‌داری از جمله دولت جدید آمریکا و دول بزرگ اروپائی و احزاب و سازمانهای دنباله روی آنان است، که وعده‌های فریبنده‌ای را برای آرام کردن و متشت نمودن صفوف کارگران و توده‌های ناراضی بکار می‌گیرند. بنابراین ضرورت تحکیم همبستگی و اتحاد جهانی کارگران و مقابله با رفرفرمیسیم در کنار نبردهای موضعی و کشوری که نباید دست کم گرفته شود، دو شرط اساسی تغییر توازن نیرو بسود کارگران است. بی تردید بدون نقد و جمع‌بندی دست‌آوردها و تجربیات منفی و مثبت قرن بیستم و آنچه که بر جنبش کارگری گذشته، و با در نظر گرفتن تغییرات عظیمی که در ساختار نیروی کار و سرمایه، و ورود به مرحله جدید جهانی‌شدن و نحوه جهانی‌سازی آن صورت گرفته و می‌گیرد، میسر نیست.

مزدبگیران، کلیه طردهگان و به حاشیه رانده‌شدگان نظام سرمایه‌داری جهانی، یعنی همه آنها که حتا از "نعمت" استثمار شدن از طریق دریافت دستمزد ثابت و کار رسمی محروم هستند. با توجه به واقعیت یافتن طبقه جهانی کار و زحمت و اشکال نوین سازمان‌یابی آنها، هرگز قادر نخواهند بود با اتکاء صرف به مبارزات موضعی و محلی و اشکال سنتی به هدف‌های اصلی و رهائی‌بخش خویش نائل شوند. در هر حال با تشدید بحران و جهانی‌شدن هر چه بیشتر مبارزه طبقات، و برجسته‌تر شدن منافع مشترک کارگران جهان، خصلت انترناسیونالیسی مبارزه آنان است، که اساساً خود را در مطالبات مشترک کارگران جهان نشان می‌دهد. و بیش از پیش اهمیت خود را به مثابه ضرورتی انکار ناپذیر برای برون رفت از بحران سرمایه‌داری نمایان می‌سازد. در حال حاضر یکی از مهمترین خواسته‌های مشترکی که کارگران جهان را به هم گره می‌زند، همانا مقابله آنان با انواع سیاست‌های ناظر بر سرشکن کردن هزینه بحران بدوش کارگران - به مثابه خواست بیواسطه و فراگیر و تاکتیکی - و مبارزه علیه اخراج و بیکارسازی و اختصاص بودجه‌های کلان کشوری و جهانی برای نجات این "نظام اقتصادی بحران‌زا" در مقیاس جهانی است. در هر حال کارگران که با سیاست‌های هم‌آهنگ شده نظام سرمایه‌داری جهانی مواجه هستند، نمی‌توانند بدون وارد کردن گردان‌های هم‌آهنگ خود در مقیاس جهانی به این نبرد سرنوشت ساز، و بسنده کردن به نبردهای پراکنده و محلی، از پس تهاجم سرمایه‌داری در سرشکن کردن هزینه بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان، تشدید استثمار و به طریق اولی تضمین پیشروی به سوی اهداف رهائی‌بخش خود برآیند. این یک شعار عام است که در کشورهای مختلف رنگ و بوی خود را دارد.

## از مبارزه کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری حمایت کنیم



## بحران و تقویت زمینه‌های همبستگی

بحران معمولاً به مثابه شمشیری دودم عمل می‌کند. تعمیق بحران و بیکارسازی ناشی از آن بسان شمشیری بر سر درگاه هر کارگاهی، و بر فراز سر هر شاغلی آویخته شده است. و موجب تقویت روحیه محافظه‌کاری، تشدید رقابت‌های درون طبقاتی و تقویت رویکرد واکنش‌های انفرادی میشود. هرچند که بدلیل ابعاد و شتاب بحران، با هر موجی جمعیت کثیری به زیر خط فقر رانده می‌شوند، و با زندگی ملیون‌ها نفر مورد تهدید قرار می‌گیرد. در عین حال بحران زمینه‌های گسترش آگاهی همان توده‌های ملیونی را در تضاد با رویکرد موجود در بطن خویش فراهم می‌سازد. این آگاهی با مشاهده موج بلند فلاکت، منجر به دست‌سستن اقبال پایینی و آسیب‌پذیر جامعه از شیوه‌هایی مبتنی بر اصلاح وضع موجود می‌گردد. آنها به تجربه درمی‌یابند که با حفظ نظام سرمایه‌داری نمی‌توان از این فلاکت رهایی یافت. و کسب این آگاهی گرایش مضاد را باز تولید می‌کند، که در تضاد با مناسبات سرمایه‌داری است.

برآمدن موج بلند دریای فقر و فلاکتی که اکثریت بزرگی از مزدبگیران را تهدید به از دست دادن هر آنچه دارند می‌کند، نزدیک شدن به نقطه غیرقابل تحمل در شرایطی که رژیم فاقد ظرفیت‌های رفعم است، بخصوص با توجه به تنگناها و بحران مالی و ارزی دولت رانت‌خوار نفتی، موجب افزایش نقش اهرم سرکوب به عنوان تنها عامل بقاء رژیم گردیده است. از جانی دیگر همین فرآیند نامیمون زمینه‌های درک ضرورت همبستگی و مبارزه مشترک برای مطالبات واحد را فراهم می‌سازد. نگاهی به منحنی حرکت‌های کارگران و مزدبگیران و حقوق‌بگیران

در چند سال اخیر، حاکی از آن است که علیرغم جو سرکوب و دستگیری، ضرب و شتم‌ها، و افت و خیزها، و حتی برخی گسست‌ها و وقفه‌ها، و ریتم کند و نامتناسب این حرکات با آهنگ پرشتاب بحران، در مجموع، منحنی مبارزاتی کارگران و زحمتکشان از نقطه نظر شاخص‌های مهمی چون تشکیل‌یابی، شفاف شدن و تعمیق مطالبات، تقویت هم‌گرایی و همبستگی، پیوند با سایر جنبش‌های اجتماعی و مبارزات بین‌المللی، حفظ روحیه پیوستگی در ادامه کار، جملگی حاکی از پیشروی جنبش کارگری، ولو کند و همراه با افت و خیز است. نمونه تداوم مبارزات کارگران هفت‌تپه، شرکت واحد، برخاست مجدد اعتراضات معلمان پس از سرکوب وسیع دوره قبل، و یا تداوم فعالیت جنبش زنان و دانشجویان با همه ضربات و دستگیری‌های به عمل آمده دلیلی بر وجود چنین روندی است.

اتلاف و همکاری شکل‌های کارگری گوناگون در آستانه برگزاری اول ماه مه امسال - گرچه هنوز نتوانسته همه‌ی شکل‌ها با گرایش‌ها گوناگون را دربرگیرد- گامی مهم و روبه جلو بود، که باید در تداوم و تعمیق آن تلاش نمود. محتوای بیانیه و سمت‌گیری آن علیه نظام سرمایه‌داری، تأکید بر اهمیت شکل‌های مستقل، حمایت از سایر بخش‌های طبقه بزرگ مزدبگیران و حقوق‌بگیران و بطور مشخص از خواست‌ها و اعتراضات معلمان، حمایت از سایر جنبش‌های اجتماعی و نیز ضرورت تقویت صفوف همبستگی با کارگران جهان، از جمله نکات مثبت این بیانیه بود. البته ناگفته نماند آنچه که موجب می‌شود روند درحال تکوین زمینه‌های اقدام مشترک حول مطالبات واحد نتواند آنگونه که باید تقویت شود، همانا برخورد‌های بعضاً فرقه‌ای، سکتاریستی و یا فرمیستی است که بجای تقویت صفوف همبستگی موجب تضعیف آن می‌گردد. این تصور که گرایشی با محور قراردادن خود، بخواهد همه را به زیر پرچم خویش بکشد، چیزی جز بازتولید تفرقه و تشتت در صفوف نچندان متحد اردوی کار و زحمت نیست. و البته تجربه‌های گذشته نیز بر بطلان این نوع تفکر مهر تأیید زده است.

راهبردهای چهارگانه زیر می‌تواند الهام بخش هدف بزرگ‌مان برای تقویت صفوف همبستگی کارگران و مزدبگیران باشد:

۱- پذیرش واقعیت متکثر و پلورالیستی طبقه بزرگ مزدبگیران و استثمار شوندگان، و وجود گرایش‌ها متعدد در میان فعالین کارگری، از جمله در مورد محتوی و شکل تشکیل‌یابی با قبول حق تبلیغ برای مواضع خود.

۲- همکاری حول مطالبات عینی، فراگیر و بسیج کننده در هر حدی که توافق هست، در برابر سرمایه‌داری و دولت حامی آن. توسط بخش‌ها و گرایش‌ها گوناگون با هدف تغییر و فراتر رفتن از وضعیت موجود.

۳- مبارزه نظری، سیاسی و طبقاتی با گرایش‌های انحرافی، بدون آنکه بخواهیم این مبارزه نظری و سیاسی را آن چنان عمده کنیم که موجب نفی اشتراکات موجود و همکاری در حوزه‌های مشترک‌مان باشد.

۴- تشکیل‌های مستقل کارگری مانند سندیکاها و اتحادیه‌ها عموماً از خواست‌ها و نیازهای بیواسطه‌ی خود کارگران بیرون می‌آید و بیش از هر چیز دیگر برپایه‌ی مبارزه آنا برای تحقق خواسته‌هایشان پایدار می‌ماند. کارگران در مسیر مبارزات روزمره‌ی اقتصادی و صنفی اهمیت اقدام متحد در مقابل کارفرمایان را درمی‌یابند، و فراتر از آن مفهوم و اهمیت اتحاد طبقاتی در مقابل سرمایه‌داران را کشف می‌کنند. و با بی‌بردن به ضرورت مبارزه‌ی متحد و متشکل برای بهبود شرایط کار و زندگی‌شان است که، به مبارزه با نظام سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم دست می‌یابند. به همین دلیل نباید شکل‌های مستقل کارگری از بالا و به ابتکار جمعی از پیشروان کارگری و یا احزاب سیاسی شکل بگیرند. بلکه پایه‌های آن ناگزیر باید در واحدهای مختلف اقتصادی و از طریق متحد شدن کارگران هر واحد یا رشته حول خواست‌های مشخص خودشان ایجاد گردد.

## اعدامهای دهه شصت ادامه پروژه گوادلوپ!

از فرود انقلاب مصادره شده ایران، جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک کشتار مخالفان سیاسی- عقیدتی خود را آغاز کرد. ستیز جمهوری اسلامی علیه بدیهی ترین حقوق دموکراتیک، آزادی های مدنی، کرامت انسانی و شهروندی از سال ۶۰ با صدور احکام بی سابقه ی اعدام نیروهای مترقی شدت گرفت. سهم مردم و نیروهای انقلابی از انقلاب بهمن ۵۷ که منجر به سرنگونی سلطنت پهلوی و به قدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی گردید، سرکوب، اختناق، زندان، شکنجه و اعدام در ابعاد وسیع تری بود. کشتار فعالین و زندانیان سیاسی دهه شصت در زمره بزرگترین جنایات های بشری در جهان است، که توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران رقم خورد. چنین جنایاتی نه تنها در تاریخ کشورمان بی نظیر بوده، بلکه در عرصه جهانی نیز از نوادر بشمار می‌آید، که می‌توان آنرا با دوران سلطه فاشیسم در اروپا مقایسه نمود. در سال های دهه شصت بکرات شاهد آن بودیم که دختران و نوجوانان پاک سرشت، زنان باردار، جوانان برومند، مردان شریف و پدران و مادرانی فداکار که با سری بلند و سینه ای ستبر به پای جوخه های اعدام رفتند. و به عینه دیدیم که عفریت مرگ بخش وسیعی از رهبران، کادرها و هواداران صادق سازمان های سیاسی را که مخالف استبداد و حکومت بنیادگرایی دینی بودند را به کام خود کشید. تا آنکه بالاخره ارتجاع توانست مجدداً نظام غارتگرانه خود را در کشورمان تثبیت کند.

ما، بسان بخشی از نیروهای چپ ایران می‌بایستی با شهامت و صراحت تمام اعتراف کنیم، که آن زمان در مورد اعدام های دهه شصت که رققا و دوستان ما را یکام خود کشید، حق مطلب را اداء نکردیم. عدم اعتراض ما در آن سال ها به امواج سهمگین اعدام ها، در مصادره انقلاب از طرف نیروهای ارتجاعی و پیشبرد اهداف ضدانقلابی نیروهای داخلی و امپریالیسم جهانی که پیشتر در کنفرانس گوادلوپ به توافق رسیده بودند، کمک شایانی نمود. سیاست های که امپریالیست ها در دی ماه ۵۷ و در کنفرانس گوادلوپ به توافق رسیده بودند به دست مذهبیبون مرتجع تازه به قدرت رسیده به اجراء درآمد. با حذف نیروهای انقلابی در پای جوخه های اعدام زمینه مساعدی برای استبداد دینی فراهم گردید. اعدام ها و کشتارهای دهه شصت در طی سی سال حکومت جمهوری اسلامی و از زمان به قدرت رسیدن آن همچون شمشیر داموکلوس بر بالای سر مردم نگاه داشته شده تا نگذارند شعله اعتراضات و خواست تغییر از عمق جامعه شعله ور شود. منشاء این جنایات، سیاست های هماهنگ شده ارتجاع خارجی با سردمداران جمهوری اسلامی بود. سیاستی که حاکمان تازه بقدرت رسیده، بموجب آن می‌بایستی نسل انقلاب را چنان سرکوب کنند، تا ریشه انقلابی گری را برای مدت های مدیدی از اذهان پاک و روحیه یأس، ناامیدی و ناتوانی را در نسل‌های بعدی نهادینه کنند. تا مبادا به فکر مبارزه و تغییر باشند.

از پی آمد چنین سیاستی بود که حکام جمهوری اسلامی در اوایل انقلاب به لشکر کشی و سرکوب خواست های حق طلبانه مردم کردستان و ترکمن صحرا قانع نگردیده و با فراگیر نمودن موج کشتارها و اعدام ها، خواستند تمامی نیروهای مترقی و انقلابی را از صحنه مبارزه محو کنند، تا بتوانند به سیاست های چپاول گرانه خود ادامه دهند. جمهوری اسلامی در دهه شصت با اجرای مصوبات کنفرانس گوادلوپ برای سرکوب نیروهای چپ و رادیکال عملاً سرسپردگی خود را به میثاق با امپریالیسم جهانی ثابت کرد. آنها با یورش به دستاوردهای انقلاب ۵۷ توانستند، از نیروهای مترقی و اعدام نیروهای انقلابی انتقام گیری نمایند. تفاوتی که اعدام‌های سال ۶۰ با جنایات‌های دیگر جمهوری اسلامی، خصوصاً فاجعه ملی سال ۶۷ داشت، علنیّت آن بود. رژیم جمهوری اسلامی خواست های جامعه ی ملتبه و متوقّع آن زمان را با اعدام های گسترده پاسخ داد. در آن روزها زندانیان سیاسی وابسته به گروههای چپ و مجاهدین، در گروههای ۷۰ و ۸۰ نفره و حتی ۱۸۰ نفره که اسامی شان همه روزه در روزنامه های رسمی کشور منتشر می گردید، به پای جوخه های اعدام می رفتند. و یا در مقابل جوخه های آتش قرار می گرفتند. این کشتارها هر چند از سال ۶۲ فروکش نمود ولی تا سال ۶۴ در اغلب شهرهای کشورمان ادامه داشت.

در این میان نکته باریکی وجود دارد، که بایستی مورد توجه قرار گیرد. و آن این که امروز سخن گفتن از جنایات هولناک و ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی در آن سالها، صرفاً بمنزله واگویی خاطرات و یا حتی صرف افشای جنایات صورت گرفته نمی‌باشد، رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای مدافع نظام حاکم با ارائه تصویری غیر واقعی از ماهیت رژیم و جنایات مرتکب شده، درصد از بین بردن حافظه تاریخی مردم هستند. هدف مستقیم این حرکت و کوشش های دیگر رژیم منحرف کردن نسل جوان و تازه به میدان آمده در میهنمان است، که در تمامی جنبش‌های اجتماعی حضوری فعال و تأثیرگذار دارند. وظیفه همه ما، خصوصاً نیروهای چپ و مترقی، در شرایط کنونی ایجاد پیوندی مستحکم بین مبارزات نسل گذشته و بازماندگان اعدام های دهه شصت با نیروهای جوان حاضر در عرصه مبارزات اجتماعی کشورمان می‌باشد. چنین پیوندی می‌تواند اهرمی برای به حرکت درآوردن پتانسیل مبارزاتی نیروهای مترقی انقلابی و بیستری برای سازماندهی وسیع جنبش‌های اجتماعی کشورمان گردد، و می‌تواند افکار عمومی ایران و جهان را علیه جمهوری اسلامی بسیج نماید. ما بر آنیم که سران و گردانندگان رژیم استبدادی حاکم بر کشورمان، بایستی در عرصه داخلی و جهانی به عنوان عاملین جنایت علیه بشریت محکوم گردند. بر ماسه که پس از گذشت نزدیک به سه دهه اجازه ندهیم این جنایات به فراموشی سپرده شوند. ضروری است با زنده نگاه داشتن یاد و نام هزاران نفر از زندانیان سیاسی اعدام شده، از حیثیت و سنت مبارزاتی آن عزیزان از دست رفته دفاع کنیم.

## علل بحران در سرشت نظام سرمایه داری نهفته است

نصب گسترده دوربینهای کنترل و غیره در غرب امپریالیستی، از جمله دستاوردهای حملات جدیدی صاحبان سرمایه‌های بادآورده با اردوی مزدبگیران است.

سرمایه داری برای تحرک بخشیدن به بازار و بالا بردن سطح تقاضا در جامعه، به تبلیغ و ترویج فرهنگ مصرف گرایی روی آورد. برنامه‌های مختلف وام دهی را به اجرا گذاشت. دامنه زندگی قرضی را گسترش داد و انسانها بدان عادت داده شدند. دستمزدها ماهها و سالها ثابت ماند و قیمتها بطور مرتب بالا رفت. مردم توان بازپرداخت وامها را از دست دادند. بازار مصرف اشباع شد، از تک و تا افتاد و با رکود مواجه گردید.

عطش سیری ناپذیر انباشت ثروت از طریق قمارخانه‌های موسوم به بازارهای بورس، بخش مالی را بر بخش واقعی اقتصاد مسلط گردانید. اقتصاد سوداگرانه و دلالی رواج بی سابقه‌ای یافت. بدین ترتیب، ارزش اضافه تولیدی مزدبگیران، از چرخه تولید خارج و به قمارخانه‌های وال استریت و امثالهم راه یافت. تسلط بخش مالی و بازار بی‌بند و بار بر بخش واقعی اقتصاد سرمایه‌داری، رشد و تکامل نیروهای مولده را متوقف ساخت. کالا، از فرمول سرمایه داری پول - کالا - پول، حذف و فرمول جدید نئولیبرالی پول - پول می آورد، جایگزین آن شد و همین امر، باعث، تشدید بحرانها و کاهش فاصله زمانی آنها گردید.

سرمایه‌داری پس از در هم کوبیدن اردوگاه سوسیالیسم، به بازارهای بکر جدید دست یافت و با تبدیل کشورهای خودکفای سوسیالیستی به ممالک صرفا مصرف کننده، تولیدات کشورهای امپریالیستی و تأمین کننده مواد اولیه و خام مورد نیاز موسسات تولیدی آنها، توانست برای یک دوره تقریباً ۲۰ ساله بحران ساختاری خود را مهار نموده و تحت کنترل در آورد. ولی، اشباع شدید این بازارها، باز هم موجبات و زمینه مساعد رکود اقتصاد سرمایه‌داری و بحران امروزی را فراهم آورد.

امروز تمام تلاش ایدئولوگ‌های سرمایه بر این امر متمرکز شده است که، علل و عوامل بحران‌های دائمی سرمایه‌داری را کتمان نموده و اینکه، بحران در طبیعت خود سرمایه‌داری رو به مرگ نهفته است، از توده‌های پنهان نمایند. تشدید نظامی‌گری، لشکرکشی و درگیر کردن جنگ‌های محلی و منطقه‌ای، سرکوب خشن تظاهرات آرام کارگران در روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان در پایتخت‌های اروپائی، ترکیه، ایران و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، طرح و بزرگ‌نمایی تصنعی مسائل انحرافی و کم اهمیت، همه و همه، از جمله اقداماتی است، اولاً؛ در جهت یافتن راه خروج از بحران و ثانیاً؛ لاپوشانی ماهیت بحران‌زای سرمایه‌داری در حال اخترا.

اما، مردم باید به علل بحران سیستم سرمایه پی ببرند. ریشه‌ها و عوامل این فاجعه جهانی را بشناسند، ارزیابی و شناخت جامعی از روابط و مناسبات غیرانسانی و انگلی سرمایه‌داری داشته باشند و مهمتر از همه، باید بدانند که با جهانی شدن بحران در شرایط جهانی سازی امپریالیستی، چه آینده‌ای در انتظار جهان است و چگونه با پیامدهای فاجعه بار این اپیدمی خطرناک مقابله کنند! درست از این منظر است که، کمونیستها و بطور کلی، همه پیروان سوسیالیسم علمی، بخاطر کوتاهی در مبارزه قطعی با سرمایه‌داری، افتادن به دام سیاست‌های حيله‌گرانه امپریالیسم و عدم طرح، تبلیغ و ترویج برنامه‌های انقلابی ضد سرمایه‌داری، به سهم خود در ادامه حیات این سامانه منحل و قطع ریشه‌های بحران‌های مالی - اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که جزء سرشت و طبیعت سیستم سرمایه‌داری است، اکیداً مسئولیت دارند.

امروزه و همیشه، برای جلوگیری از بروز و تکرار بحرانها، برقراری ثبات و امنیت شغلی و سیاسی همه جانبه در جامعه بشری و غلبه بر فقر و گرسنگی عمومی در جهان، آگاه سازی و سازماندهی مزدبگیران و همه زحمتکشان و ستم‌دیدگان در سمت مبارزه بر علیه حاکمیت نظام ارتجاعی سرمایه‌داری، عاجل‌ترین وظیفه همه احزاب، سازمانها، گروه‌های کمونیستی و کارگری بشمار می رود. در مقیاس جهانی، تمام زمینه‌های لازم برای برقراری نظام عادلانه سوسیالیستی فراهم آمده است. آینده بشری در گرو حاکمیت طبقه کارگر و برقراری نظام سوسیالیستی است.

دریافتی از ایمیل

بحران مالی - اقتصادی سامانه پوسیده سرمایه‌داری روز بروز گسترش می یابد، عمیق‌تر می‌شود و بتدریج همه جوانب زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد. طبیعی است که بار سنگین آن قبل از همه، بر دوش طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات محروم و ستم‌دیده جامعه می‌افتد. انسانهای کار و زحمت، کار و وسایل معاش خود را از دست می‌دهند. بیکاری، فقر و فاقه و نبود حداقل چشم انداز روشن برای نزدیک‌ترین فرد، نگرانی بحق و اضطراب عمومی را دامن زده است. مؤسسات مالی و کارخانه‌های بزرگ و کوچک صنعتی یکی بعد از دیگری تعطیل می‌شوند. اعلام ورشکستگی کمپانی جنرال موتورز، بزرگترین کارخانه اتومبیل سازی آمریکا در همین چند روز پیش (یازدهم خرداد ماه سال جاری) بدنبال ورشکست شدن دهها بانک و مؤسسات بزرگ مالی و تصمیم آن برای تعطیل کردن ۱۴۰۰ مؤسسه خود در آمریکا و ۱۵۰۰ مؤسسه در مکزیک، یکی دیگر از پیامدهای بحران جاریست. بدین ترتیب و در نتیجه بحران مالی - اقتصادی، کارگران صد هزار - صد هزار از کار اخراج می‌شوند و در مقابل آن، دامنه اعتراضات توده‌ای گسترش یافته است و میتینگ‌های دهها هزار نفری تقریباً همه کشورهای باصطلاح پیشرفته سرمایه‌داری را درنوردیده است. در روزها و هفته‌های گذشته، بویژه بعد از اول ماه مه امسال، سراسر اروپا شاهد اعتصابات و اعتراضات بی سابقه کارگران بخشهای مختلف بود که بر خلاف سالهای قبل، اساس و پایه نظام سرمایه‌داری را تقبیح و طرد می‌کنند. دولتهای امپریالیستی برای مقابله با اعتراضات مدنی توده‌های کار و زحمت، نیروهای امنیتی و پلیس خود را وارد میدان می‌کنند. فاجعه هولناکی در شرف تکوین است. فاجعه‌ای که کل بشریت را تهدید می‌کند. فاجعه فقر و گرسنگی عمومی! ابعاد بحران کنونی به چنان حد خطرناکی رسیده است که حتی، سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی که روز ۱۳ خرداد ماه سال جاری از شبکه خبری بی. بی. سی. پخش شد، بحران جاری سرمایه‌داری را نه تنها بحران اقتصادی - مالی، بلکه بحران انسانی اجتماعی خواند و گرسنگی یک میلیارد انسان و سرکوبی مبارزان و جنبشهای عدالت طلبانه را پیامد طبیعی آن دانست. با این توصیف، جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که، علل و عوامل بحران جاری و اوضاع ناهنجار جوامع انسانی، در سرشت خود نظام سرمایه‌داری نهفته است! این، دقیق‌ترین و درست‌ترین جواب است.

چرا علل و عوامل بحران در طبیعت و ذات خود نظام سرمایه‌داری نهفته است؟ برای اینکه، تضاد اصلی جامعه سرمایه‌داری، تضاد کار و سرمایه، تضاد بین سیستم اجتماعی تولید و نوع مالکیت بر ابزار تولید است. یعنی، نیروی جسمی و یا فکری کارگر، موجب تولید ارزش اضافه می‌گردد ولی، این ارزش اضافه، مستقیماً به جیب سرمایه‌دار می‌رود. زیرا، این طبقه انگلی، ابزار کار را در تملک خود دارد و بازار توزیع نیز در اختیار اوست.

رشد علوم و فنون موجبات تکامل ابزار کار و نیروهای مولده را فراهم آورده است و این تکامل، باعث افزایش سطح تولید نیازمندیها جوامع انسانی گردیده و در عین حال، سبب افزایش نرخ بیکاری در میان نیروی کار نیز شده است. به همین جهت هم، در نتیجه روابط و مناسبات نادرست تولیدی و اجتماعی نظام سرمایه‌داری، توسعه علوم و تکنیک نه تنها موجب بهبودی شرایط زندگی مردم نگردیده، حتی، سطح زندگی عمومی سال به سال پائین تر می‌آید و رفته - رفته اوضاع معیشتی و زندگی اکثریت انسانها وخیمتر شده است. وجود ارتش عظیم بیکاران از یک سو و عدم پرداخت سیستماتیک مزد واقعی مزدبگیران و انباشت مازاد تولیدات از سوی دیگر، موجب تنزل میزان مصرف و یا به عبارت دیگر، موجب کاهش تقاضا شده و در نتیجه آن بحران آغاز میگردد.

تا دو دهه قبل، در شرایط موجودیت اردوگاه سوسیالیستی شرق، سرمایه‌داری جهانی در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری مجبور بود برای جلوگیری از نفوذ و رشد افکار و ایدئولوژی عدالت خواهانه و سوسیالیستی در جامعه، به حساب کشورهای "جنوب"، چاپ اسکناس و ارواق بهادار و تحمیل تورم ناشی از آنها به کشورهای حاشیه‌ای، مزد نسبتاً مناسبی به کارگران بپردازد، برنامه‌های تأمینات اجتماعی را در جامعه به اجرا بگذارد، آزادیهای سیاسی را تا آنجا که با بنیان و اساس سرمایه‌داری در تقابل نباشد، تأمین و رعایت نمایند. پس از تخریب اردوگاه سوسیالیستی در آخرین دهه سده گذشته، سرمایه‌داری تهاجم گسترده علنی‌تری را بر علیه مزد، حقوق و آزادیهای سیاسی - اجتماعی مزدبگیران آغاز کرد. بالا بردن سن بازنشستگی، افزایش ساعات کار هفتگی، کاهش بودجه تأمینات اجتماعی، بکارگیری ابزار و وسایل نظارتی - امنیتی مثل تشدید شنود مکالمات تلفنی، مکاتبات اینترنتی و پستی،



**ایران را تحریم سیاسی کنید!**

شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، از کشورهای اروپایی خواست با استفاده از فشارهای دیپلماتیک دولت ایران را به پایان خشونت علیه معترضان به نتایج انتخابات وادار کنند.

\* دهها تن از شهروندان معترض زاهدانی که دست به تجمع زده بودند توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت شدند.

\* اعتراضات مردمی در شیراز به شدت ادامه دارد و علیرغم سرکوب وحشیانه از شدت آن کاسته نشده است. زد و خورد در نقاط مختلف شیراز بین طرفداران احمدی نژاد و نیروهای پلیس با مردم معترض به رییس جمهور تقلبی ادامه داشت.

\* مردم تبریز و دانشجویان با ماموران حکومتی درگیر شدند. صدها نفر دستگیر شدند. چند جوان در اطراف آبرسان با چاقو زخمی شدند. همه ماموران در خیابان‌ها هستند. جو تیریز پلیسی است. سه نفر عکاس را در خیابان آبرسان زدند و دستگیر کردند. لباس شخصی‌ها به خیابان‌ها ریختند.

**یورش سازمان یافته به اجتماعات کارگری و دستگیری فعالین کارگری و اجتماعی**

نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در روز جهانی کارگر به اجتماعات مسالمت آمیز که به دعوت سندیکاها و نهادهای مستقل و غیر دولتی با شرکت کارگران و فعالین سیاسی و اجتماعی در نقاط مختلف کشور برگزار شده بود، یورش بردند. در جریان این یورش خشونت آمیز و سازمان یافته، صدها تن از کارگران و فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی توسط مامورین مورد ضرب و شتم قرار گرفته، دستگیر و روانه زندانها و شکنجه‌گاهها شدند.

در روز کارگر ۴۰ نفر از افراد حاضر در تمانی کارگران فلزکار مکانیک را بازداشت کردند. اما در همان شب تعدادی از آنها را آزاد کردند، ولی ۱۶ نفر را ماموران با خود به زندان اوین بردند.

**برگزاری روز جهانی کارگر**

یکی از نکات مشترک مراسم‌های برگزارشده در شهرهای مختلف ایران، قطعنامه‌ی سراسری بود که توسط تشکلهای مستقل جنبش کارگری ایران اعلام شده بود. در شهرهای مختلف متناسب با امکانات، توازن قوا و پیشینه‌ی برگزاری مراسم درسالهای پیش، مراسم‌هایی با شکل‌های مختلفی برگزار شد. نکته اساسی و مهم دیگری که در همه‌ی آنها مشترک بود، این است که اکثر گروه‌های کارگری در شهرهای مختلف در مراسم امسال، در فرم و محتوای مراسم نسبت به سال قبل خود پیشروی داشته اند. مراسم امسال باید به جای کوه و دشت در وسط شهر و در کنار کارگران بیشتری، در میان مردم و رو درروی حاکمیت برگزار شد! کارگران دریافتند که اختلافات نظری نباید باعث شود که براسراکات در مطالبات، متحد نشوند. این یکی از دستاوردهای ارزشمند، در سال‌های اخیردجنبش کارگری ایران بوده است.

**اعتراضات جهانی جهت احقاق حقوق اتحادیه‌ای برای کارگران ایران**

چهار فدراسیون جهانی که بیش از ۱۷۰ میلیون کارگر را در سرتاسر جهان نمایندگی می‌کنند در فراخوان مشترکی روز جمعه ۲۶ ژوئن برابر با ۵ تیر ماه را روز اقدام جهانی - با خواست اجرای عدالت برای کارگران ایران اعلام کرده اند. در این روز، در اعتراض به نادیده گرفتن پایه‌ای ترین حقوق اتحادیه‌ای کارگران و دستگیریهای مستمر در ایران، تظاهرات‌هایی در مقابل سفارتخانه‌ها و دفاتر نمایندگی رژیم ایران برگزار خواهد گردید. به این منظور، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (آی.تی.یو.سی)، سازمان آموزش جهانی (ای.ای.آی)، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف) و اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات (آی.یو.اف) در حال تدارک و تشکیل ائتلافی می‌باشند. آنها همچنانکه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین حقوق اتحادیه‌ای زندانی و رهبرانش از جمله: منصور اسانلو، ابراهیم مددی، فرزاد کمانگر و پنج تن از نمایندگان اتحادیه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که اخیرا به یک سال زندان محکوم شده اند هستند، خواستار آزادی کلیه فعالین اتحادیه‌ای که در اول ماه می در تهران دستگیر شده اند می‌باشند. سازمان عفو بین الملل نیز از این کمپین حمایت کرده است.

همچنین کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (س.ژ.ت)، کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انباریو و شورای اتحادیه‌های کارگری استرالیا طی نامه‌های اعتراض آمیزی به دولت ایران مراتب اعتراض خود را به دستگیری‌های کارگران در اول ماه مه امسال و ادامه زندانی کردن رهبران کارگری را اعلام نمودند.

**احتمال بیکار شدن هزاران نفر در انگلیس**

اتحادیه‌های کارگری در انگلیس از احتمال بیکار شدن هزاران کارگر صنعت خودروی سازی نگرانند. آنها از این نگرانند که اگر شرکت خودروسازی فیات ایتالیا موفق به خرید بخشهای اروپایی شرکت خودروسازی جنرال موتورز آمریکا شود ممکن است هزاران کارگر صنعت خودروسازی شغل خود را از دست بدهند. این در حالی است که دولت انگلیس برای نجات صنعت خودروسازی که از بحران مالی زیان دیده است، تلاش می‌کند.

**سال هاست ورشکست شده ایم!**

بیژن نامدار زنگنه، وزیر دولت‌های موسوی، هاشمی رفسنجانی و خاتمی، در نشست شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور افشا کرد که بانک‌های ایران سال‌ها قبل از بحران جهانی، ورشکست شده ولی مسئولین به مردم نگفته‌اند.

**اخراج های گسترده کارگران در استان خوزستان**

تعدادی از کارگران کاغذ پارس، حریر پارس و حمل کیسه نیشکر از اول خرداد ماه یا اخراج شده‌اند و یا در آستانه اخراج قرار دارند.

**برنامه اتاق ایران برای پیوستن به WTO**

دبیر کمیسیون WTO ابراز کرد: با ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی بخش خصوصی موظف شده است در روند الحاق به WTO حضور داشته باشد و در این راستا اتاق ایران برنامه دو ساله‌ای برای انجام کار تحقیقاتی با هدف انتقال تجربه ۱۰ کشور در خصوص نقش بخش خصوصی در روند الحاق تنظیم کرده است.

**حمایت ۱۵۰۰ نفری فعالان اجتماعی ایران از "اعدام بس کودکان"**

ما امضاکنندگان این بیانیه بنا بر وجدان انسانی خویش مجازات مرگ را برای افراد زیر ۱۸ سال که هنوز از بلوغ کافی برای تشخیص کامل عملکرد خود و پیامدهای آن برخوردار نیستند، خشن، غیرعادلانه و غیرانسانی میدانیم. و شهادت و رای میدهیم که افراد زیر ۱۸ سال نباید محکوم به سلب حق حیات و قطع امکان برای رشد و اصلاح و کسب تجارب جدید در زندگی خویش شوند. براین اساس ما به پوش "اعدام بس کودکان" پاسخ مثبت داده و از مقامات مختلف قضایی، سیاسی، آموزشی و رسانه ای می‌خواهیم هر یک در حوزه مسئولیت خویش هرچه سریعتر گام‌های عملی و جدی برای پیشبرد این امر انسانی بردارند.

**۲۸مین سالگرد اعدام سعید سلطانیپور**

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد اعدام تبهکارانه‌ی سعید سلطانیپور شاعر و مبارز برجسته‌ی کشورمان، هم‌چنان بر خواسته‌ی برحق همیشگی خود جهت بازگشایی پرونده‌های کشتارهای دهه ۱۳۶۰ و از جمله پرونده سعید سلطانیپور پای فشاری نمود.

**افزایش نقدینگی در اقتصاد ایران**

در چهار سال اخیر نقدینگی در اقتصاد ایران افزایش شدیدی داشته و از حدود ۷۰ هزارمیلیارد تومان به بیشتر از ۱۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. در این چهار سال بخش عمده‌ای از درآمدهای سرشار نفتی ایران به ریال تبدیل و وارد اقتصاد شده است. بخشی از این درآمدها در بخش‌های غیر مولد و تامین هزینه‌های جاری دولت صرف شده است که به گفته تحلیلگران اقتصادی، به افزایش نقدینگی و رشد تورم منجر شده است. اگر نقدینگی به سمت تولید هدایت می‌شد و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یافت، نه تنها افزایش نقدینگی به تورم منجر نمی‌شود بلکه با افزایش تولید، موجب کاهش بیکاری نیز می‌گشت.

**انتشار آرشیو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر**

دست اندرکاران سایت اندیشه و بیکار، به انتشار آرشیو اسناد و مدارک سازمانهای، مجاهدین خلق، مجاهدین م. ل و بیکار دست زده‌اند. آدرس این سایت به شرح زیر می‌باشد:  
<http://www.peykarandeesh.org/peykarIndex.html>

**دست داشتن احمدی نژاد در ترور قاسملو**

پیتر پیلز، سخنگوی حزب سبزها در پارلمان اتریش احمدی نژاد را به دست داشتن در ترور عبدالرحمن قاسملو در وین متهم کرد.

**دبیرکل سازمان معلمان ایران را آزاد کنید**

سازمان معلمان ایران با صدور بیانیه‌ای در تاریخ ۲۷ خرداد، خواهان آزادی دبیرکل این سازمان آقای علیرضا هاشمی شد.

**دولت ایران می تواند همه مکالمات تلفنی و اینترنتی شامل اس ام اس، پیام صوتی و مسنجر را کنترل و بخواند!**

شرکت نوکیا زمینس فن آوری مورد نیاز برای نظارت، شود و خواندن تماس‌های تلفنی داخلی را به ایران فروخته است. این محصول به کشورها امکان می‌دهد همه ارتباطات یک شبکه را شامل پیغام‌های صوتی، پیامک‌ها، مسنجرها و همه آنچه در اینترنت رد و بدل می‌شود، را زیر نظر بگیرند. این سیستم فعلاً در ایران برای شنود تماس‌های تلفنی داخلی روی خطوط تلفن شهری و همراه استفاده می‌شود. به گزارش بی بی سی این سیستم ظاهراً می‌تواند به جز توقف جریان مبادله اطلاعات، با کاهش داده‌های در حال انتقال از محتوای آن هم مطلع شود.

**مشارکت در مراسم یادبود جانبختگان**

اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
ما ضمن همدردی با بازماندگان جانبختگان و مجروحین جنبش اعتراضی، اقدام سرکوبگرانه سازمان دهندگان کودتای انتخاباتی را محکوم می‌کنیم...

در روزهای گذشته تعدادی از هم‌وطنان ما بر اثر ضرب و شتم و یا گلوله‌های نیروهای سرکوب جان خود را از دست داده و عده زیادی زخمی شده‌اند.

ما ضمن همدردی با بازماندگان جانبختگان و مجروحین جنبش اعتراضی، اقدام سرکوبگرانه سازمان دهندگان کودتای انتخاباتی را محکوم می‌کنیم و از اعضا و هواداران سازمان و نیروهای آزادیخواه می‌خواهیم که در مراسم یادبود جانبختگان مشارکت کنند.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) / ۲ تیر ۱۳۸۸

**خطاب به کارگران و زحمتکشان ایران؛ مشارکت در اعتراضات، سازمان‌دهی اعتصابات**

اعلامیه هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شما با مشارکت در اعتراضات و با سازماندهی اعتصابات و با همبستگی با سایر جنبش‌های اجتماعی می‌توانید سازمان‌گران کودتای انتخاباتی را به عقب نشینی وادار سازید و بطلان انتخابات ۲۲ خرداد و برگزاری انتخابات آزاد، دمکراتیک و عادلانه را بر آن‌ها تحمیل نمایید.

کارگران و زحمتکشان!

مردم کشور ما با هزاران امید و آرزو در انتخابات ۲۲ خرداد شرکت کردند تا با رای خود به کاندیدای جریان حاکم "نه" بگویند. اما جریان حاکم در آرای مردم دست برد و کاندیدای خود را به عنوان رئیس جمهور اعلام کرد.

میلیون‌ها انسان که احساس می‌کردند به فهم و شعورشان توسط حاکمان توهین شده است، به خیابان‌ها آمدند تا بغض فروخورده خود را فریاد کنند. آن‌ها یک صدا بطلان انتخابات را خواستار شدند. اما علی‌خامنه‌ای که شرکت گسترده مردم در انتخابات را به سود نظام مصادره کرده است، به جای پاسخ مثبت به خواست مردم، نیروهای سرکوب خود را روانه خیابان‌ها کرد تا سینه تظاهرکنندگان را با گلوله بشکافند. تا کنون ده‌ها تن از مردم کشور ما با گلوله و ضرب و شتم سرکوب‌گران جان

خود را از دست داده‌اند و صدها تن از فعالین سیاسی و اجتماعی توسط سازمان‌دهندگان کودتای انتخاباتی بازداشت و تحت فشار قرار گرفته‌اند تا آنچه را شکنجه‌گران می‌خواهند، اعتراف کنند.

کارگران و زحمتکشان!

اگر سازمان‌گران کودتای انتخاباتی موفق شوند که جنبش اعتراضی مردم ما را به شکست بکشاند، کشور ما با آینده تیره و تاری روبرو خواهد شد. شرط ناکام گذاشتن برنامه کودتاکران، تداوم حرکت اعتراضی مردم است. تداوم حرکت اعتراضی می‌تواند به شکست برنامه کودتاکران منجر گردد و پذیرش اعلام باطل بودن انتخابات را بر آن‌ها تحمیل کند.

اما اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم کشور ما در خیابان‌ها توسط سرکوب‌گران به خون کشیده می‌شود. برای تداوم اعتراضات با هزینه کمتر و گشودن جبهه‌های جدید و برای پراکنده کردن نیروهای سرکوب و کاستن از کارایی آن‌ها، لازم است که مبارزه را به محل کار و واحدهای تولیدی کشاند.

کارگران و زحمتکشان!

کارگران و زحمتکشان نیروی موثر در تحولات سیاسی کشور هستند. تجربه انقلاب بهمین این حکم را مدلل کرده است. ورود کارگران و به ویژه کارگران نفت به انقلاب، کمر رژیم شاه را شکست. شرایط خطیر کنونی ایجاد می‌کند که طبقه کارگر ایران بار دیگر مهر خود را بر تحولات سیاسی کشور بکوبد. حضور کارگران و زحمتکشان در صحنه مبارزاتی کشور، می‌تواند تداوم حرکت اعتراضی را ضمانت کند.

اعتصابات یکی از موثرترین ابزار در سنت مبارزاتی جنبش کارگری ایران بوده است. امروز اعتصابات کارگری می‌تواند از هزینه اعتراضات بکاهد، قدرت سرکوب رژیم را پائین آورد، پیوند بین طبقه کارگر ایران و طبقه متوسط جدید برقرار کند، امید به پیروزی را بالا برد، شکاف در درون حکومتگران را تعمیق بخشد و روحیه آن‌ها تضعیف نماید.

کارگران و زحمتکشان!

تداوم وضعیت موجود و تحمیل احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور برای چهار سال آتی، به تشدید تورم، افزایش فقر و بیکاری و تعمیق شکاف طبقاتی منجر خواهد گشت و زندگی شما به فلاکت بیشتر سوق خواهد یافت.

شما با مشارکت در اعتراضات و با سازماندهی اعتصابات و با همبستگی با سایر جنبش‌های اجتماعی می‌توانید سازمان‌گران کودتای انتخاباتی را به عقب نشینی وادار سازید و بطلان انتخابات ۲۲ خرداد و برگزاری انتخابات آزاد، دمکراتیک و عادلانه را بر آن‌ها تحمیل نمایید.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) / ۲ تیر ۱۳۸۸ (۲۳ ژوئن ۲۰۰۹)

**هشدار در مورد ایران؛ خامنه‌ای در تدارک سرکوب گسترده است!**

آنچه مردم ایران از جهان انتظار دارند

هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در حالی که میلیون‌ها ایرانی به اعتراضات خود علیه نتایج رسمی انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ادامه می‌دهد، علی‌خامنه‌ای در نماز جمعه ۲۹ خرداد باردگر از احمدی نژاد حمایت کرد، معتزین به تقلب در انتخابات را تهدید به سرکوب نمود و دستور سرکوب گسترده مردم و اپوزیسیون را صادر کرد. بنابراین صدور این دستور، نیروهای نظامی در روز ۳۰ خرداد به اعتراض مسالمت‌آمیز یورش برده و عده‌ای از مردم معترض را به قتل رساندند. ما به عنوان بخشی از جامعه ایرانیان تبعیدی، به شدت نگران آنیم که صحنه‌های خونین روزهای اخیر در برابر چشمان جهانیان، در ابعاد وسیع‌تری تکرار شود. خامنه‌ای در تدارک جنایات جدید است. روشن

است که میلیون‌ها ایرانی شرکت کننده در اعتراضات روزمره علیه رهبری رژیم ایران، شهروندان مسالمت‌جویند که تنها گناه آنان استفاده از حق اعتراض غیرقهرآمیز است. آشکار است که رژیم ایران، سابقه سی ساله سرکوب خشن و جنایت علیه شهروندان ایران دارد. با توجه به این واقعیات، ما از این طریق به افکار عمومی جهان درباره تدارک سرکوب وسیع و خونین در ایران هشدار می‌دهیم. در این لحظه تاریخی، جهان باید به

ایرانیان یاری رساند. فوری‌ترین خواست ایرانیان از جامعه بین‌المللی این است که هر اقدام ممکن را برای بازداشتن خامنه‌ای از سرکوب انجام، و از این طریق، جان هزاران ایرانی را نجات دهند. در این شرایط، مؤثرترین اقدامی که جامعه بین‌المللی می‌تواند انجام دهد این است که به رهبری ایران بگوید جهان، سرکوب ایرانیان مسالمت‌جو را تحمل نخواهد کرد. ما به دولت‌ها و افکار عمومی بین‌المللی این اقدامها را برای جلوگیری از قتل عام پیشنهاد می‌کنیم:

\* از هر طریق برای تماس با حکومتگران ایران استفاده کنید و به آن در مورد عواقب سرکوب گسترده مردم ایران هشدار دهید.

\* به رهبری ایران بگویید مثنی سرکوبگرانه علیه جامعه مدنی ایران، به پائین آوردن مناسبات بین دولت‌ها و جمهوری اسلامی خواهد انجامید.

\* تا بطلان انتخابات از برسمیت شناختن احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور خودداری کنید.

\* در صورتی که رژیم ایران به خواست توقف خونریزی در ایران تن ندهد، بر فشارهای خود به انحای مختلف بیافزاید.

\* از هر طریق ممکن به رسانه‌های بین‌المللی از جمله تلویزیون و اینترنت کمک رسانید که اخبار مربوط به رویدادهای ایران را منتشر کنند و سانسور وضع شده از سوی رهبری ایران را بشکنند.

\* به اقدامات متعدد اعتراضی در سراسر جهان علیه سرکوب در ایران بیونید و از رسانه‌ها در پوشش دادن به این تظاهرات پشتیبانی کنید.

هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) / ۳۱ خرداد ۱۳۸۸

**به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران: مردم را سرکوب نکنید!**

هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پرسنل نیروی انتظامی، بسیج و سپاه پاسداران!

کشور ما، کشور شما، روزهای سرنوشت‌سازي را از سر می‌گذرانید. این روزها، راه آینده کشور ما را تعیین می‌کند: یا وداع با خشونت و گام نهادن به مرحله‌ای نوین از تاریخ کشورمان که نویدبخش زندگی آرام و صلح‌آمیز همه شهروندان ایرانی، ما و شما در میهنمان است، یا در غلظتین به ورطه خشونت و نفرت، افتادن به گردابی که بوی خون می‌دهد، رفتن به مسیری و گرفتاری در آتشی که دود آن به چشمان همه، ما و شما، می‌رود.

پاسداران، بسیجیان، مأموران نیروی انتظامی!

مردمی که به خیابانها آمده‌اند تا به نتیجه رسمی انتخابات ۲۲ خرداد اعتراض کنند، نه دشمنان شما نیستند و نه دشمنان کشور. شعور، اعتراض، حق طبیعی آن‌هاست و آن‌ها به شکل مسالمت‌آمیز و مدنی در خیابان‌ها دست به راه‌پیمائی می‌زنند. تظاهرکنندگان خشونت‌گران را از صفوف خود بیرون می‌رانند. شما پیش از انتخابات دیدید که اگر کسی معترض این مردم نشود، اگر این مردم سرکوب نشوند، نه خونی از بینی کسی می‌ریزد و نه هیچ قرارگاه و ساختمان شما به خطر می‌افتد. شما شاهد بودید که روز ۲۴ خرداد، چه جمعیتی در خیابانها بود و این جمعیت، چگونه با مسالمت رفتار می‌کرد. این مردم، نه می‌خواهند به زور متوسل شوند و نه چیزی جز آن می‌خواهند که حاکم بر سرنوشت خود باشند. این مردم، برادران، خواهران، پدران، مادران و فرزندان شما هستند. شما و خانواده‌هایتان می‌خواهید سالهای زیاد در کنار این مردم در صلح و آرامش زندگی کنید. پاشیدن بذر نفرت میان شما و مردم، نه به سود شماست نه به سود کشور ما.

شمائی که سلاح به دستتان داده‌اند!

این سلاح‌ها را به سوی مردم نشانه نگیرید. هیچ کس قادر نخواهد بود شما را مورد بازخواست قرار دهد که چرا تیری به سوی هموطنانتان شلیک نکرده‌اید، چرا باتوم‌های خود را بر سر زنان و مردان بی‌دفاع فرو نیاورده‌اید، چرا گاز اشک آور شما بی‌استفاده مانده است.

شمائی که شاید جوئنتز از انقلاید!

اگر خود ندیده باشید، از پدران و مادرانتان بپرسید که در انقلاب ایران چگونه پافشاری برخی سردمداران نظامی رژیم سابق بر سرکوب مردم، بذر نفرت از آنان را در میان مردم پاشید و بادی که کاشتند، توفان شد و خود آنان را به قربانی گرفت. از آنها که دیده‌اند بپرسید چگونه مردم با آغوش باز پذیرای نظامیانی شدند که از دستور مافوق برای سرکوب مردم سرپیچیدند.

شمائی که همچون مردم معترض، شهروندان این کشورید!

به سال‌هایی که خواهد آمد بیاندیشید. حکومت‌ها می‌آیند و می‌روند، و شما نیستید که می‌مانید و باید با هموطنانتان زیر سقف میهن زندگی کنید. این زندگی صلح‌آمیز را به خشونت می‌خواهند شما را گرفتار و شریک جرمش کنند، غیرممکن نکنید. شاید شما با انگیزه دفاع از کشورتان در برابر دشمن خارجی، برای اینکه مردم در امنیت زندگی کنند به نیروهای مسلح و انتظامی پیوسته‌اید. یک لحظه بیاندیشید که آیا به رگبار بستن مردم بی‌دفاع و کوبیدن بر سر زنان و مردانی که جز سخن گفتن گناهی ندارند، دفاع از میهن و برقراری امنیت است؟ کیانند که از شما چنین حدی از قساوت و بی‌رحمی را می‌طلبند؟ آیا جز این نیست که آنها خود در کاخهایشان نشسته‌اند و فردا اگر مورد بازخواست قرار گیرند شما را قربانی خواهند کرد؟ از این جماعت اطاعت کورکورانه نکنید. نه دین شما از سوی مردم معترض در خیابانها در خطر است، نه میهنتان و نه امنیتتان. اگر وظیفه شما حفظ امنیت در خیابان‌هاست، قطعاً از میان مردم نمایندگان با شما بدین منظور همکاری خواهند کرد. مردم آماده‌اند تا اعتراض خود را آرام و بدون آنکه کار به ناامنی و هرج و مرج بکشد دنبال کنند. مردم آماده‌اند چنان سخن بگویند و در خیابان حضور یابند که کسی نتواند شما را متهم به کوتاهی در حفظ امنیت و آرامش کند. مردم به شما تعرض نخواهند کرد، اگر شما مردم را سرکوب نکنید.

حساب خودتان را از حساب حلقه اصلی فرماندهان سپاه و لباس شخصی‌ها جدا کنید!

حلقه اصلی فرماندهان سپاه، سپاه و بسیج را به حزب پادگانی تبدیل کرده‌اند. آنها ولع شدیدی برای چنگ انداختن به قدرت دارند و آماده‌اند برای حفظ قدرت حمام خون راه بیاندازند. لباس شخصی‌ها نیروهای مزدورند که حاضرند به هر جنایتی دست زنند. چنانچه در روزهای گذشته شبانه به خوابگاه دانشگاه تهران یورش بردند و عده‌ای از آن‌ها به قتل رساندند. شما به عنوان پرسنل نیروی انتظامی، بسیج و سپاه پاسداران، حساب خودتان را از حساب حلقه اصلی فرماندهان سپاه و لباس شخصی‌ها جدا کنید!

هیات سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) / ۲۸ خرداد ۱۳۸۸ (۱۸ ژوئن ۲۰۰۹)

## یاد یاران یاد باد



لبخندی برای ندا  
عباس سماکار



کجائی نازنینم  
چرا دیگر نمی‌خندی و شعر نمی‌دهی  
دمی دیگر تاب بیاور  
خون را از دهانت بیرون نده  
مرا به وحشتی دچار نکن  
که تابوی مرگ در پیش چشمم باز ساخته است

لبخند بزن  
و این دم آخرین را  
با لبخند بمیر

من کیستم  
وقتی خیره می‌شوم به نگاهت  
که دیگر نگاه نیست

و ابدیت ترا بازمی‌سازد  
تو رفته‌ای  
و همچنان بر قامت این زمانه خیره مانده‌ای  
و نگاهت

زیباترین زبان جهان است  
و من لبخندم را به دهانت می‌گذارم  
تا خود در مرگ تو  
زبانی به زیبایی نگاهت به سخن بازکنم  
و تو همچنان بخندی

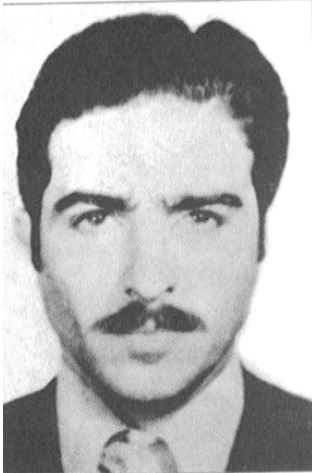
لبخند بزن عزیزم  
لبخند بزن  
مگر نمی‌بینی  
ما پیروز شده‌ایم

## یاد و نام فدائیان شهید جاودان باد!

نمونه‌های قساوت و کینه حیوانی رژیم شاه نسبت به کمونیستها و پیروان سوسیالیسم علمی است.

بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، سازمانی را بنیاد نهادند که در طول کمتر از یک دهه پس از اعلام موجودیت سازمان فدائی به یکی از ارکان اصلی پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ماه سال ۱۳۵۷ مردم ایران و برچیدن نظام سلطنتی و پایان حاکمیت سلسله سرسپرده پهلوی تبدیل شد.

پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران و برچیده شدن نظام سلطنتی نیز نتوانست روح آزادیخواهانه فدائیان را قانع سازد. زیرا، حاکمیت بر آمده از انقلاب، به عبارت صحیحتر، حاکمیتی که سوار بر موج انقلاب بر سر کار آمد، حاکمیتی غیر مردمی، غیر دنیوی و بغایت ارتجاعی بود که از اعماق قرون و اعصار گذشته سر برآورد و بر اهداف و آمجهای انقلاب تاخت و موانع جدی در راه تحقق خواستههای مردم ایران ایجاد کرد. در نتیجه شکست انقلاب، باز هم فدائیان در میدان مبارزه با استبداد و ارتجاع گروه- گروه به شهادت رسیدند.



علیرغم ضربات سنگینی که رژیم شاه بر فدائیان وارد کرد و صرفنظر از تمام کمی‌ها و کاستی‌های نظری و عملی، ارزش و اعتبار والای مبارزه و جانفشانی‌های فدائیان بر علیه رژیم زور و سرنیزه، قداست و صداقت فدائی را جاودانه ساخت. فدائی، به سمبل صلابت و استواری، اسطوره مبارزه و مقاومت تبدیل شد. نام فدائی، الهام بخش میلیونها انسان در مبارزه بر علیه استعمار و برتری طلبی امپریالیسم، اطاعت و فرمانبری از بیگانگان، استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان و بطور کلی، در مبارزه طبقاتی شد. در اثر همین ویژگی‌های فدائیان، سیل خروشان جوانان میهن پرست و آزادیخواه به سوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روان شد. در نتیجه، پایگاه اجتماعی جنبش فدائی بسرعت گسترش یافت و سازمان فدائی به بزرگترین و پر نفوذترین سازمان سراسری چپ ایران و خاورمیانه تبدیل گردید.

ابعاد جنایات رژیم ضد مردمی مشروطه و بعد از سرنگونی آن، تهاجم گسترده رژیم ارتجاعی "مشروع" بر علیه انقلابیون ایران، بویژه فدائیان خلق، زمانی قابل درک است که در نظر داشته باشیم قتل و کشتار بنیانگذاران، رهبران و نسل اول فدائیان، جنبش انقلابی فدائی را از وجود رهبران اندیشمند و توانا محروم ساخت و موانع جدی در مسیر رشد و تکامل طبیعی و قانونمند آن فراهم آورد. انشعابات و جدائی‌های متعدد در جنبش فدائی و ظهور ایده‌های اوپورتونیستی، لیبرال-دموکراتیک و دکماتیسم و جمود فکری در میان بخشهایی از فدائیان، در واقعیت امر، نتیجه فقدان رهبران خردمند و تداوم آن همه جنایات هولناک بر علیه مبارزان فدائی و پیامد ناگزیر آنهاست.

بمناسبت روز شهادت فدائی، یاد و نام شهیدان هشتم تیر ماه سال ۱۳۵۷ و همه شهدای فدائی و کلیه شهیدان جنبش انقلابی ایران را گرامی داشته، همه سازمانها، گروهها و منفردین فدائی را به تفکر و تأمل در مورد بررسی راهها نظری و ارائه طرحهای عملی اتحاد و همکاری مجدد فدائیان فرامی‌خوانیم که، این امر، بزرگترین نشانه احترام و افتخار به شهیدان فدائی، پاسداشت ارزشها و قهرمانیهای فدائیان و پایبندی به اهداف، آرمانها و باورهای یاران ماست. وحدت و همکاری اعضای خانواده فدائی می‌تواند گام بزرگی در سمت اتحاد همه نیروهای جنبش چپ ایران و متضمن رهایی همه خلقهای میهن ما از استبداد و خودکامگی رژیم ارتجاعی اسلامی باشد.

جاودان باد یاد و نام افتخارآفرینان فدائی!

هشتم تیر ماه، سالروز شهادت فدائی بزرگ، حمید اشرف و فدائیان خلق، فاطمه حسینی، طاهره خرم، محمد حسین حق نواز، یوسف قانع خشکه بیجاری، محمد رضا یثربی، غلامعلی خراط پور، غلامرضا لایق مهریانی، محمد رضا فوقانی و علی اکبر وزیری در روز هشتم تیر ماه سال ۱۳۵۵، روزشهادت فدائی است. روز گرامیداشت یاد و نام فدائیان شهید، فرزندان دلاور و دریادل خلق ایران که با خروش آزادیخواهانه خود، نقش کم نظیری در بیداری جامعه محکوم به سکوت ایران بازی کردند و قرار و آرام رژیم دیکتاتوری دست نشاند شاه و اربابان خونخوارش را بر آشفتنند. فدائینی که با نثار جانهای عزیز خود، فرهنگ و سنت مبارزه در سخت ترین شرایط و در زیر خشن ترین دیکتاتوری را به مردم ایران بشارت دادند. فدائینی که عزم و اراده پولادین و شکست ناپذیری خود در مبارزه با سلطه امپریالیسم و رژیم دست نشاند اش را بنمایش گذاشتند.

در پی کودتای آمریکائی-انگلیسی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، رژیم دست نشاند پهلوی دوم، خودکامگی و درندگی خود را به حد اعلا رساند و تحت فرماندهی و حمایت همه ارگانهای جاسوسی-امنیتی، مشاوران

و مستشاران اربابان ماورای بحار خویش، با سببیت و قساوت بی سابقه ای به قلع و قمع مبارزان میهن دوست، آزادیخواه و عدالت طلب کشور پرداخت. هر صدای حق طلبانه را با گلوله پاسخ می‌داد. مبارزان راه اعتلا و ترقی میهن، راه آزادی و کرامت انسان، مبارزان فداکار راه عدالت اجتماعی، فرزندان صادق و پاکدل خلق و فرزندان ایران را گروه- گروه در شکنجه گاهها و سياهچالهای مشترک امپریالیسم و ارتجاع به بند و زنجیر کشید، به دست جوخه های اعدام سپرد و یا به زندانهای طویل المدت "محکوم" ساخت. رژیم شب پرستان درنده خو، در مدت قریب دو دهه، تاریکی سنگینی را بر میهن ما حاکم گردانید و در هراس از نور، هر شراره ای را دیوانه وار خاموش می‌کرد، هر جنبنده ای را از حرکت باز میداشت، کوچه و خیابانهای شهرها، کوه و دشت و جنگلهای میهن ما را به شکارگاه گلهای سرسید خلق ایران تبدیل کرد و بدین ترتیب، سکوت سنگین قبرستانی را بر میهن بلاکشید ما مسلط ساخت و در سایه حاکمیت رژیم خون و خفقان، فضای ناامیدی و نامنی، یأس و سکون، سکوت و رکود را بر جامعه ایران مستولی گردانید.

در چنین جو خطرناک حاکم بر ایران، در سال ۱۳۴۹ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با همت و رشادت جوانان میهن پرست و آزادیخواه ایران در برابر رژیم پلیسی پهلوی قد برافراشت و در راه مبارزه برای عزت و شرف ایران و ایرانی، در راه نجات و رهایی انسان از تمام و قید و بندهای استثمار و استعمار به میدان مبارزه قدم گذاشت. فدائیان خلق ایران، با مبارزات خستگی ناپذیر و قهرمانیهای افسانوی خود، فضای آلوده کشور را در هم شکسته، پوشالی بودن قدرقدرتی رژیم پلیسی شاه را ثابت کردند و احترام، محبت و همراهی انقلابیون راستین کشور را نسبت به جنبش فدائی برانگیختند.

بنیانگذاری جنبش کمونیستی فدائی در سالهای پایانی دهه چهل و رشد روزافزون نفوذ و اعتبار آن در میان مردم ایران، بویژه نسل جوان کشور، بر شدت کینه و نفرت رژیم خون و سرنیزه نسبت به انقلابیون افزود. بعد از این سالها، تعقیب و قتل مبارزان، بویژه فدائیان خلق ایران، به دغدغه اصلی رژیم تبدیل گردید و توانست در طول هشت سال، ضربات سخت و سهمگینی را به جنبش نو بنیاد فدائی وارد آورده، تقریباً تمامی بنیانگذاران و رهبران خردمند جنبش فدائی را، یا در درگیریهای مسلحانه و یا در شکنجه گاهها و اسارتگاهها به قتل رساند. کشتار ده تن از فدائیان در روز هشتم تیرماه تنها یکی از

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد